

۱۲ بازیگرو ۱۲ نقش ماندگار

## سیمرغ‌هایی که در داستان ایفاگران شاه‌نقش‌ها جای گرفت

صفحه ۲۸

مستند «صوف» به روایت محسن استادعلی

## تردید داستان ابدی ازلی هر یک از ماست

صفحه ۲۴

گفت‌وگو با کوروش آهاری، کارگردان «آن شب»

## شهاب حسینی همچون دوست و برادر همراه ما بود

صفحه ۱۵

# فجرنامه

بولتن مجازی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر  
شماره دهم، سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۸

گفت‌وگو با برزو نیک‌نژاد، کارگردان «دوربست»

## از آب گل‌آلود ماهی نمی‌گیرم

شرح در صفحه ۲۲



گفت‌وگو با محمدحسین مهدویان،  
کارگردان «درخت گردو»

## ماجرای فیلم سیاسی ساختنم ادامه ندارد



عکس: سحر لطیفی



## شناسنامه

نشیوه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

مدیرمسئول: ابوالفتح داوودزاده

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)

سر دبیر: سیمه علیپور

همکاران تحریر: پریسا ساسانی، ژاله یگاناغانی، زهران نجفی و فاطمه محسنی

یادشماره: فاطمه استیاری، علی افشار، سیررضا صامی و مهیلا علیپور

مدیر هنری: علی شاکری

ویراستار: شهید محمد خاخر

دبیر علمی: محمد حسن خندی

گرافیک: زینب فلاح، مهدی متناصری و همکاران صامی

عکس: معین باقری، مهلا بیانی، سحر مصداق، یاسمن ظهیرطلب، مهیلا

سلام زاده، سحر لطیفی و صبا افرو

## فارس

۳ سرفرازه به نام سید محمد حسین ایلانی

۴ خیرها

۶ نشست خبری فیلم «روز صفر»

۸ نشست خبری «ایران پایش گرفته»

۱۰ نشست خبری فیلم «ایران بازده ۶۰۰»

۱۲ معرفی فیلم جای روزنه شبیه در پیرسین سفیدی ملت

۱۵ گفتگو با نویسندگان، کارگردان، بازیگران، «کتاب»

۱۹ گفتگو با محمد حسین مهدویان، کارگردان «درخت آرزو»

۲۲ گفتگو با پرویز نیک نژاد، کارگردان «دوربست»

۲۴ مستند «خسوف» به روایت محسن استاد صامی

۲۵ همزاد دوانی، بازیگر فیلم کوتاه «اشغال» به کارگردانی علی عزیزی

۲۶ اینفوگرافیک «درخشش ابی»

۲۸ سیرخ صامی، نه در دستار لیقاران شاه نقش حاجی کریم

۳۲ گزارش تصویری



سید محمد حسین لواسانی

## سیمرغ؛ پری برای پرواز یا بالی برای سقوط!

شاید حکایت لمس بال‌های سیمرغ برای او که نخستین بار تجربه‌اش می‌کند، چندان بی‌شباهت به در آغوش کشیدن توپ طلایی که رقص پا و چشم‌نوازی‌های ساق‌ها سبب سازش شده‌اند، نباشد. حال چه در شوق تجربه اولین لمس و چه در بار مسئولیتی که بعد از آن بردوش صاحبانش سنگینی می‌کند، مسئولیتی که به انتخاب‌های بعد از لمس پنجه‌های سیمرغ روی شانه‌های صاحب تازه از راه رسیده‌اش بازمی‌گردد. دست‌کم تا زمانی که گرمای لنت داشتن سیمرغ، سرد نشده است، می‌توان تاثیر حضور این پرنده بلورین افسانه‌ای را بر انتخاب‌ها و نگاه گزینشی صاحبانش جست‌وجو کرد.



اما این موضوع تنها به انتخاب و گزینش‌های بعد از این سیمرغ‌داران بازنمی‌گردد، چه آن‌که ردپای آن را در میزان ارتقای ارزش مادی و معنوی آن سینماگر و در حالت خوش‌بینانه تاکید و اصرار آن هنرمند بر خودآگاه خویش در راستای ارتقای سلامت کاری و سواد هنری و حرفه‌ای او می‌توان دید.

نگاهی گذرا به کارنامه هنری صاحبان سیمرغ به‌ویژه درباره بازیگران نشان می‌دهد که برای مدتی از عمر هنری‌شان هم که شده، سعی در انتخاب‌های دقیق‌تر و مناسب‌تری دارند، تا جایی که روند رو به رشد آنان نه تنها در گزینش آثار که در رفتار اجتماعی‌شان نیز نمود روشنی پیدا می‌کند، اما سوی دیگر تصاحب سیمرغ که اغلب می‌تواند جوان‌ترها را به تور خود اندازد، به احتمال عریان شدن امیال پنهانی نظیر غرور و جاه‌طلبی بازمی‌گردد، که اگر در مسیر تربیت و کنترل آن‌ها برنمایند، احتمال می‌رود همین پر پرواز به بال شکسته‌ای برای ادامه راه آنان بدل شود.

مسئله از این جا آغاز می‌شود که هر یک از موارد یادشده، اعم از انتخاب گزینشی، ارتقای ارزش مادی و معنوی و احتمالاً تاکید صاحب سیمرغ بر ارتقای سواد و سلامت خویش که البته این آخری بسیار غریبانه است، روی دیگری هم دارد، چراکه هر یک از این موارد یا نکات دیگری که در این مجال نیامد، می‌تواند صاحب سیمرغ را از آن‌ور بوم نیز بیندازد؛ موضوع مهمی که سیمرغ بلورین را به جای بدل شدن به بالی برای پرواز، تنها به حمل عنوان و بهانه‌ای برای درج رزن از سر توهمی واهی یا حتی سقوط تبدیل می‌کند.

اما با این همه، فارغ از این‌که هنرمندانی چون علی نصیریان با دریافت سیمرغ به این جایزه از دل فسانه آمده، اعتبار می‌دهند، دریافت این مهم می‌تواند به برخی اعتباری نه کاذب، بلکه حقیقی نیز بیخشد تا واسطه پرواز بهتر و بیش از پیش و البته واقع‌بینانه صاحبش شود. گرچه شاید رصد گذرا بر این ماجرا نشان دهد که حرارت و گرمای پنجه‌های سیمرغ بر شانه‌های صاحبانش، نه خیلی کم، اما زیاد هم گرم نمی‌ماند.





کوتاه از اخبار روز سوم

## از حضور «پسرکشی» تا دفاع مسعود فراستی از «روز صفر»

سومین روز سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۸، با نمایش سه فیلم «روز صفر»، «ابرارانش گرفته» و «آبادان یازده ۶۰» همراه بود و با مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» به پایان رسید؛ فیلم‌هایی درباره عملیات دستگیری عبدالملک ریگی، مرگ، جنگ تحمیلی و ورزشکاران. مهم‌ترین خبر روز سوم، آماده نشدن فیلم «خورشید» مجید مجیدی بود که باعث حضور فیلم زرزوشده «پسرکشی» محمدهادی کریمی شد. البته دبیرخانه جشنواره اعلام کرد به محض آماده شدن فیلم مجیدی، این فیلم برای علاقه‌مندان به نمایش درخواهد آمد. حضور غافل‌گیرانه مسعود فراستی در نشست فیلم «روز صفر» و دفاع تمام‌قد او از داغ‌ترین خبرهای روز سوم بود که در شبکه‌های اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفت.

### «پسرکشی» به جشنواره رسید

منظور احترام به خواست مخاطبان و تماشاگران عزیزی که بلیت‌های این فیلم را پیش‌خرید کرده‌اند و همچنین ارج‌گذاشتن به تلاش سازندگان که با اهتمام فراوان و به احترام تماشاگران هم‌چنان در حال آماده‌سازی فیلم هستند، از زمانی که فیلم «خورشید» آماده نمایش شود، در زمان‌های پیش‌بینی در جدول نمایش، فیلم «خورشید» نمایش داده خواهد شد و برای فیلم «پسرکشی» با اعلام قبلی از طریق سایت فروش جشنواره (فجر تیکت) نمایش‌های اختصاصی به تعداد مشابه سایر فیلم‌های سینمایی پیش‌بینی خواهد شد.»

در این اطلاعیه آمده است: «برای همه سینماگران عزیزی که در طول ماه‌های گذشته به احترام سینمادوستان عزیز

فیلم سینمایی «پسرکشی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدهادی کریمی وارد بخش مسابقه جشنواره شد.

دبیرخانه جشنواره فیلم فجر درباره حضور فیلم «پسرکشی» در جشنواره اعلام کرد: «نظر به این‌که فیلم سینمایی «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی و تهیه‌کنندگی آقایان بنان و مجیدی به دلیل طولانی شدن مراحل فنی فیلم تا زمان مقرر آماده نمایش نشد و با توجه به مقررات اعلام‌شده، فیلم سینمایی «پسرکشی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدهادی کریمی وارد بخش مسابقه جشنواره می‌شود و از تاریخ ۱۴ بهمن‌ماه جایگزین فیلم «خورشید» در جدول نمایش می‌شود. در عین حال به



## حمایت مستمر سازمان بهزیستی از هنرمندان دارای مسئولیت اجتماعی

از تولیدات آن‌ها هم به شکل مستمر حمایت می‌کنیم. در این جشنواره هم فیلم‌هایی را انتخاب می‌کنیم که بتوانیم به عنوان الگو معرفی کنیم.» مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان بهزیستی کشور درباره حمایت این سازمان از فراهم‌سازی شرایط سینماها برای افراد دارای معلولیت گفت: «ما طبق قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت وظیفه داریم از ارگان‌های مختلف مطالبه‌گری کنیم که فضاهایشان را مناسب‌سازی کنند و این‌که شرایط پخش فیلم‌ها به گونه‌ای باشد که افراد ناشنوا و نابینا بتوانند از این فضاها استفاده کنند.» او ادامه داد: «علاوه بر این، موظفیم کمک کنیم این افراد بتوانند در تولید و نقد فیلم مشارکت کنند. ما هنرمندانی داریم که دارای معلولیت هستند. از این گروه هم حمایت می‌کنیم که تولیدات فرهنگی داشته باشیم.»

مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان بهزیستی کشور گفت: «از هنرمندان دارای مسئولیت اجتماعی و تولیدات آن‌ها به شکل مستمر حمایت خواهیم کرد.» مسعود آسیما، مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به حضور سازمان بهزیستی کشور در بخش تجلی اراده ملی جشنواره فیلم فجر، گفت: «در این بخش شرکت کردیم تا از فیلم‌هایی که در راستای مأموریت سازمان بهزیستی ساخته می‌شوند، حمایت کنیم و هنرمندان را تشویق کنیم که در راستای مسئولیت اجتماعی خودشان بتوانند فیلم‌های فاخری تولید و به جامعه عرضه کنند.» او درباره نحوه حمایت سازمان بهزیستی از فیلم‌ها و هنرمندان توضیح داد: «علاوه بر این‌که ما از خود هنرمندان به عنوان هنرمندان دارای مسئولیت اجتماعی حمایت خواهیم کرد،

۲

## سه سانس فوق‌العاده در روز سوم جشنواره

پروانه» به کارگردانی محمد کارت در سینما فرهنگ ۲ به سانس فوق‌العاده رسیدند.

در سومین روز از جشنواره دو فیلم «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان در سینماهای باغ کتاب و پردیس کوروش و «شنا

۳



## اردبیل به استقبال جشنواره فیلم فجر می‌رود

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و صنعت سینمای ایران نیز با سبک انسانی، معناگرا و پاک در جهت سبک زندگی درست در جامعه به جلو حرکت می‌کند.» او ادامه گفت: «بسیاری از مسائل جامعه را می‌توانیم با کمک صنعت سینما و با پیام‌هایی که در فیلم‌ها می‌دهیم، حل کنیم. بنابراین باید فرهنگ فیلم دیدن و سینما رفتن را در جامعه رواج دهیم.» به گفته مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل برای اولین بار فیلم‌های جشنواره فیلم فجر هم‌زمان با پایتخت در دو سینمای قدس و انقلاب اکران می‌شود.

جلسه هماهنگی پنجمین جشنواره فیلم فجر استان اردبیل هم‌زمان با سی‌وهشتمین دوره این جشنواره در تهران در این استان برگزار شد. این جلسه با حضور مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما، آموزش و پرورش و نمایندگان دیگر دستگاه‌های استان اردبیل در سالن شهدای هنرمندان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل برگزار شد. سیدناصر اسحاقی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، درباره تأثیرگذاری سینما گفت: «تأثیرگذاری صنعت سینما در حوزه‌های مختلف

۴





نشست خبری فیلم «روز صفر»

## هیچ بخشی از این فیلم تخیلی نیست

نشست خبری فیلم «روز صفر» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی سعید ملکان، اولین نشست جنجالی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود. مسعود فراستی دقایقی بعد از شروع نشست وارد سالن نشست خبری شد و از مسئولان خواست تا به او اجازه صحبت بدهند. فراستی در کنار فرزاد حسنی نشست و از فیلم «روز صفر» تمام‌قد دفاع کرد. این نشست با حضور ساعد سهیلی، امیر جدیدی، مهدی قربانی و تینو صالحی بازیگران، میثم مولایی تدوین‌گر، رشید دانشمند صداپرداز، امیر ملک‌پور طراح لباس، سهیل دانش اشرفی طراح صحنه و پوریا ذوالفقاری منتقد برگزار شد. اجرای نشست‌های خبری سومین روز جشنواره، دوشنبه چهاردهم بهمن‌ماه، را فرزاد حسنی بر عهده داشت.

### می‌خواستم بدانم چطور یک آدم معمولی به این جا رسید

در سینمای ما چنین نقشی داشته باشیم. این نقش توانایی فیزیکی زیادی می‌خواست و دوست داشتم این نقش را بازی کنم تا توانایی فیزیکی خودم را محک بزنم.» کارگردان «روز صفر» درباره انتخاب موسیقی فیلم توضیح داد: «از ابتدا نمی‌خواستیم موسیقی انتخابی بگذاریم، اما برخی از سکانس‌ها انتخابی شد و برای رسیدن به جشنواره مجبور شدیم موسیقی انتخابی روی فیلم بگذاریم.»

### هنوز بدهکار هستم

دانش اشرفی درباره طراحی صحنه فیلم توضیح داد: «واقعیت این است که اکثر لوکیشن‌های این فیلم داخل ایران بود و تحقیقات زیادی از سوی کارگردان انجام شد. ما به دنبال رسیدن به فضای واقعی بودیم و در برخی از قسمت‌ها هم امکان فیلم‌برداری در پاکستان وجود نداشت.» ملکان در پاسخ به این سوال که هزینه ساخت فیلم چگونه تامین شده

ملکان در پاسخ به این سوال که چرا برای فیلم اول این سوژه سخت را انتخاب کرده است و توضیح مسیر پژوهش فیلمنامه گفت: «این یکی از سوژه‌هایی بود که دوست داشتم و دلیل آن سختی در ساخت بود. طرح فیلمنامه برای آقای اصفهانی بود که همه آن بر مبنای واقعیت شکل گرفته و ما سعی کردیم آن را با زبان سینما، جذاب‌تر بیان کنیم.» ساعد سهیلی، بازیگر نقش عبدالملک ریگی، با ابراز خوشحالی از بازگشتش به سینما بعد از دو سال، درباره ایفای این نقش توضیح داد: «وقتی آقای ملکان این نقش را به من پیشنهاد داد، برایم بسیار کنجکاو و برانگیز بود. برای شناخت بیشتر عبدالملک ریگی در مورد این شخصیت تحقیق کردم تا متوجه شوم چطور یک آدم معمولی که سی‌وی می‌فروخت، به این جا رسید.»

### نمی‌خواستیم موسیقی بگذاریم

امیر جدیدی نیز درباره نقشش گفت: «اکثر پیش می‌آید که



در نهایت باید به میان مردم بازگردند.»

### «روز صفر» بهترین فیلم جشنواره است

فراستی در میانه نشست به دعوت حسنی پشت میکروفون قرار گرفت و درباره «روز صفر» گفت: «به سینمای ایران، به ملکان، جدیدی، سهیلی و تیم موسیقی فیلم تریک می‌گویم. جدیدی در این نقش عالی ظاهر شد. این فیلم اندازه است، تکنیک دارد و افتخار می‌کنم حق مطلب در این فیلم ادا شده است. از نظر من «روز صفر» بهترین فیلم جشنواره است، البته با تدوین فیلم کمی مشکل دارم که بعداً درباره آن صحبت خواهیم کرد.»

### اگر جدیدی ایفای این نقش را نمی‌پذیرفت، «روز صفر» را نمی‌ساختم

ملکان درباره انتخاب جدیدی توضیح داد: «هر کدام از شما جای ما بودید، انتخاب دیگری جز جدیدی نداشتید. اگر او این نقش را نمی‌پذیرفت، این فیلم را نمی‌ساختیم و درباره ساعد هم اعتقاد همین است. همه اکت‌های بازیگران از ایستادن تا لهجه به‌درستی انجام گرفت.» او در ادامه گفت: ««روز صفر» یک فیلم ملی است و هیچ بخشی از آن تخیل نیست. هیچ جایی از فیلم تروریست‌ها را در سیستان و بلوچستان نمی‌بینیم و تمام مقر تروریست‌ها در پاکستان است.» امیر جدیدی در ارتباط با نقش مامور امنیتی که در فیلم ایفا کرد، گفت: «تمرین‌های زیادی را برای سلاح به دست گرفتن و اجرای این نقش داشتیم. این کاراکتر کاملاً وطن‌پرست است و برای وطنش تلاش می‌کند.»

### هشت میلیارد تومان هزینه «روز صفر» شد

تینو صالحی نیز ضمن تشکر از عوامل فیلم گفت: «از عوامل این فیلم ممنونم که اجازه دادند من این نقش را اجرا کنم و خوشحالم که در کنار دو بازیگر حرفه‌ای کار کردم.» ملکان درباره سرمایه فیلم توضیح داد: «حدود هشت میلیارد تومان برای این فیلم هزینه شده است و برخی از تجهیزات ما در برلین دزدیده شد.» او در ارتباط با اضافه شدن یا نشدن سکانس شهید سردار سلیمانی گفت: «(اصلاً این‌طور نبوده است و نمایش ترور سردار سلیمانی در فیلم ما هیچ ربطی به فیلم‌برداری نداشت.»

و اطلاعات این عملیات از کجا به دست آمده، گفت: «قرار بود بنیاد فارابی در ساخت فیلم مشارکت کند، اما تنها چند روز مانده به آغاز فیلم‌برداری پشیمان شدند. قبل از شروع ما مجبور شدیم هزینه را بین دوستان تقسیم کنیم و من هنوز بدهکار هستم.» او در پاسخ به این سوال که چرا در طراحی شخصیت مامور با بازی امیر جدیدی ا عراق وجود دارد، گفت: «(ما می‌خواستیم کمی از قالب‌های کلیشه‌ای و رایج بازیگری در سینمای ایران بیرون بیاوریم. ما در سینمای آمریکا صحنه‌های ا عراق شده زیادی می‌بینیم، اما صدایمان در نمی‌آید. به این دلیل که ما در این زمینه‌ها فیلم نساختیم و این شکل بازی برای ما عادی نیست. بنابراین فکر نمی‌کنم بازی امیر جدیدی ا عراق شده باشد.»

### فیلم‌های ریگی را دیدم

پوریا ذوالفقاری، منتقد، درباره شخصیت‌پردازی گفت: «(بیننده در شخصیت‌پردازی این فیلم با مجموعه‌ای از اطلاعات روبه‌روست که باعث می‌شود نتواند به‌راحتی شخصیت را بشناسد.» مهدی قربانی درباره ایفای نقشش در «روز صفر» و لهجه‌اش توضیح داد: «(من از کودکی با آقای ملکان کار کرده‌ام و از او بسیار آموخته‌ام. در زمان پیش تولید لهجه‌ها را در دفتر تمرین می‌کردیم. برای درآوردن لهجه، فیلم‌های عبدالمالک ریگی را نگاه کردم که لهجه راحت و جذابی داشت.»

### یک دقیقه دورریز نداشتیم

ملکان درباره تدوین این فیلم گفت: «(میثم مولایی در تمام بخش‌های فیلم کنار ما بود و اگر او نبود، این فیلم ساخته نمی‌شد. در تدوین فیلم به خاطر مدیریت مولایی یک دقیقه دورریز هم نداشتیم.»

میثم مولایی هم درباره تدوین «روز صفر» توضیح داد: «(وظیفه تدوین‌گر است که در تدوین مدیریت داشته باشد و آقای ملکان با اعتمادی که داشت، باعث پیشرفت و افزایش دقت من شد. تدوین این فیلم کار سختی بود، به این دلیل که به دو بخش تقسیم می‌شد. در ابتدا ریتم کندتر و فضای آرام‌تری بر فیلم حاکم است، اما در نیمه دوم با ریتم تندتری روبه‌رو هستیم. این ترکیب تدوین، بیننده را آماده بخش دوم فیلم می‌کند.»

### می‌خواستم حافظان امنیت ما بداند به یادشان هستیم

ملکان در خصوص انتخاب ساعد سهیلی برای نقش عبدالمالک ریگی گفت: «(بهترین انتخاب ساعد سهیلی بود که عالی نقشش را بازی کرد و این توانایی او بود که منجر به انتخابش شد.» او درباره انگیزه‌اش از ساخت این فیلم توضیح داد: «(داستان فیلم کاملاً بر اساس واقعیت ساخته شد و انگیزه‌ام برای ساخت این فیلم این بود که دوست داشتم برای آدم‌هایی که برای امنیت ما تلاش می‌کنند، فیلم بسازم تا بدانند که به یادشان هستیم. هم چنین نشان دهم این افراد نباید به خاطر کاری که انجام می‌دهند، از مردم طلبکار باشند، چراکه این شغل را خودشان انتخاب کرده‌اند و







نشست خبری فیلم «ابر بارانش گرفته»

## شاعرانه درباره معجزه

نشست خبری فیلم «ابر بارانش گرفته» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجید برزگر، دومین نشست خبری سومین روز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود. این نشست بیشتر پیرامون تولید، اکران و فروش فیلم‌های مستقل بود و با حضور مسعود امینی تیرانی مدیر فیلم‌برداری، آرمان خوانساریان نویسنده، علی ثانی‌فر، نازنین احمدی، مزدک میرعابدینی، ارشیا نیک‌بین بازیگران، لیلا نقدی‌پری طراح صحنه و لباس، الهام صالحی طراح چهره‌پردازی، حمیدرضا برزگر تدوین‌گر، حمید جانی‌پور عکاس و آرامه اعتمادی منتقد برگزار شد. اجرای نشست‌های سومین روز جشنواره را فرزند حسنی بر عهده داشت.

### تماشاگر خاموش سینما به فیلم‌های درست توجه می‌کند

مجید برزگر، کارگردان فیلم «ابر بارانش گرفته»، در پاسخ به سوالات درباره اکران و فروش فیلم گفت: «به اکران از این منظر نگاه می‌کنم که سینمای ایران در سال‌های گذشته کم‌تماشاگر بوده است. تجربه فیلم‌های قبلی‌ام این را نشان داده است که اگر فیلم‌ها درست ساخته شوند، تماشاگر خاموش سینما می‌تواند به فیلم‌های ما توجه کند و اگر می‌خواهد فیلم ببیند، به سراغ این دسته از فیلم‌ها بیاید.» او ادامه داد: «فکر می‌کنم فیلم‌هایم را برای اقلیت و گروه خاموشی که سلیقه‌شان را دوست دارم، تولید می‌کنم، که البته تعدادشان کم هم نیست. تلاش من در این سال‌ها این چنین بوده است و همین مسیر را در پیش گرفته‌ام.»

### از علاقه به تارکوفسکی تا بهتوون

برزگر درباره شباهت «ابر بارانش گرفته» به سینمای تارکوفسکی توضیح داد: «مثل هر فیلم‌سازی که علایقی دارد،

برای من هم این فیلم‌ساز الگو است. مشخصاً در سکانس لیوان به فیلم «استاکر» تارکوفسکی ادای دین کرده‌ام و کل فیلم نیز در همین فضاست. مانند بقیه فیلم‌هایی که ممکن است در سینمای داخل یا خارج ایران ببینید، من هم علایقی دارم که بدون این‌که بخواهم آن را کپی کنم، مسیرشان را ادامه می‌دهم.» او با اشاره به موسیقی متن فیلم توضیح داد: «سراسر فیلم موسیقی داشت. یک قطعه از بهتوون انتخاب کردم و همین موسیقی از ابتدا تا پایان تکرار می‌شود.»

### کارگردان لحظه به لحظه همراه من بود

نازنین احمدی درباره کم بودن دیالوگ‌هایش در این فیلم توضیح داد: «نقشی که بر عهده داشتم، کم‌دیالوگ نبود. آقای برزگر اولین بار که طرح را به من داد، شیفته آن شدم. او لحظه به لحظه همراه من بود و از او برای این پیشنهاد

کردیم.» الهام صالحی درباره گریم گفت: «قرار نیست گریم چشم را بدزد، بلکه باید زندگی در آن جریان داشته باشد و به نشان دادن حال و هوای زندگی روزمره کمک کند.»

### تمام لوکیشن‌ها طراحی شد

کارگردان فیلم «ابر بارانش گرفته» درباره داستان توضیح داد: «حدود دو سال پیش این داستان را در چند مدل نوشتیم که در نهایت به داستانی که امشب دیدید، رسیدیم. در فیلم‌های قبلی که به عنوان تهیه‌کننده یا کارگردان حضور داشتم، زمان زیادی طول می‌کشید تا پول‌هایمان را جمع کنیم. برای ساخت این فیلم نیز زمان زیادی طول کشید تا بتوانیم کمک بگیریم و موفق به ساخت فیلم شویم.» او با اشاره به فضا سازی فیلم ادامه داد: «بخش زیادی از این فضا سازی به طراحی لباس و صحنه مربوط بود. من لوکیشن خاصی می‌خواستم که

متشکرم.» علی ثانی‌فر با اشاره به حس و حالش در این فیلم گفت: «برای بازیگر مثل من بازی در چنین فیلم‌هایی خوشایند است. دوست داشتم با مجید بزرگر کار کنم و در این فیلم این تجربه برایم پیش آمد. در این فیلم نقش همسر سارا را بازی می‌کردم و مانیفست اصلی فیلم بین این دو شخصیت برقرار می‌شود و می‌خواستم این مانیفست بدون هیچ واسطه‌ای جاری شود.»

### نهنگ صورتی نماد زندگی است

آرامه اعتمادی، منتقد حاضر در جلسه، گفت: «من طرفدار فیلم «پرویز» بودم و کارهای آقای بزرگر را دوست دارم. میل زن قصه ما به خودکشی و کشتن مریض‌هایش جالب است. نهنگ صورتی که در دریا می‌بینیم، نماد زندگی است، برعکس نهنگ آبی که یادآور مرگ است. این فیلم نقاط قوت زیادی دارد و مانند باقی فیلم‌ها نقاط ضعف هم در آن دیده می‌شود.»



تقریباً یک ماه به دنبال این عمارتی که فیلم‌برداری انجام شده گشتیم. تقریباً تمام خانه و بیمارستان طراحی شده است. بدون تردید همکاری‌ام با تمام عوامل این فیلم ادامه خواهد داشت، زیرا من را به تمام چیزهایی که فکر کرده بودم، رساندند.»

### نیاز به معجزه داریم

مسعود امینی تیرانی، مدیر فیلم‌برداری، درباره همکاری‌اش در این فیلم گفت: «شانس بزرگی که برای یک فیلم‌بردار اتفاق می‌افتد، همکاری با یک کارگردان بادرک و کاربلد است. فیلمنامه را که خواندم، احساس نزدیکی بیش از اندازه‌ای با آن کردم و تصمیم گرفتم در آن حضور داشته باشم.» او ادامه داد: «برای من مهم‌ترین اتفاق این بود که گاهی در زندگی اتفاقی که دوست داریم، برایمان نمی‌افتد و نیاز به معجزه داریم. اگر تجربه مشابهی با این اتفاق داشته باشیم، می‌توانیم خودمان را جای بازیگران بگذاریم و این رمزی بود که فیلم «ابر بارانش گرفته» را می‌ساخت. مجموع این عوامل باعث شد بتوانیم به یک شکل بصری برسیم.»

### این فیلم شاعرانه است

آرمان خوانساریان، نویسنده این فیلم، با اشاره به همکاری‌اش با مجید بزرگر در نگارش این فیلمنامه گفت: «من و مجید زمانی که کار را شروع کردیم، قرار بود روی ایده او که درباره اوتانازی بود، شروع به کار کردن درباره این سوژه کنیم. این فیلم شاعرانه و بیشتر شبیه فیلم‌های کوتاه آقای بزرگر است.» او ادامه داد: «سعی کرد فیلمنامه شاعرانه‌مان را روزمره‌تر و محاوره‌تر به تصویر بکشیم. همکاری با مجید بزرگر باعث افتخار بود. خیلی کم می‌توان از کسی هنگام کار کردن چیز یاد گرفت، اما کار کردن با او چیزهای زیادی به من آموخت.»

### خانه ویرانه‌ای را بازسازی کردیم

بزرگر با تأکید بر این که همه ارکان فیلم، به خصوص فضا سازی آن، برایم اهمیت داشت، گفت: «ما چندین ماه برای رسیدن به این فضا موسیقی گوش کردیم و نقاشی و فیلم تماشا کردیم. برای لوکیشن عمارتی که در فیلم می‌بینید، خانه‌ای ویرانه در بندر کیشهر پیدا که آن را بازسازی کردیم. همه آن چه در فیلم می‌بینید، محصول آن چیزی است که ما تولید



نشست خبری فیلم «آبادان یازده ۶۰».

## فیلمی درباره اصحاب رسانه با درخواست حمایت آنان

نشست خبری فیلم «آبادان یازده ۶۰» با نویسندگی و کارگردانی مهرداد خوشبخت سومین نشست سومین روز سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر بود. فیلمی که اصحاب رسانه را در دوران جنگ تعمیلی هدف قرار داده بود تا داستانی درباره رادیو آن دوران روایت کند و کارگردان با اشاره به این نکته از اصحاب رسانه حاضر در نشست خواست از آن حمایت کنند. این نشست با حضور حسن کلامی، علیرضا کمالی، شبنم گودرزی، ویدا جوان و حمیدرضا محمدی بازیگران فیلم، بهزاد عبدی آهنگساز، مهدی جعفری فیلم برداری، سهراب خسروی تدوینگر، محمود دهقانی طراح چهره پردازی، جعفر محمدشاهی طراح صحنه، زهرا صمدی طراح لباس و کیوان امجدیان منتقد برگزار شد. اجرای نشست‌های روز سوم جشنواره، چهاردهم بهمن‌ماه را فرزند حسنی بر عهده داشت.

### عاشق فضای فیلم‌های دفاع مقدس هستم

علیرضا کمالی در خصوص نقش خود در «آبادان ۱۱۶۰» گفت: «من این فیلم را بازی کردم و توضیح اضافی ندارم. حرف زدن در این باره به زیر متنی احتیاج دارد و من باید از آن فاصله بگیرم». حمیدرضا محمدی درباره حضور در این فیلم بیان کرد: «اولین بار بود که فیلم را دیدم و امیدوارم عضو خوبی برای این فیلم بوده باشم و راضی از سالن خارج شده باشید.» ویدا جوان در ارتباط با ایفای نقش همسر یک رزمنده گفت: «این نقش را دوست داشتم به این دلیل که در طول فیلم تحولی در شخصیت شکل می‌گیرد. او درگیر فضای جنگ می‌شود و خود را فدا می‌کند.» شبنم گودرزی

### واقع‌گرایی فیلم برایمان مهم بود

حسینی در ابتدای این نشست از مهرداد خوشبخت در ارتباط با ساخت اولین فیلم در خصوص رادیو زمان جنگ تشکر کرد. خوشبخت درباره نگارش فیلم‌نامه گفت: «این نسخه نهایی فیلم نیست و بعد از جشنواره، فیلم کامل می‌شود. همه بخش‌های این فیلم به واقعیت نزدیک بود و برخی از اسامی فیلم واقعی بود. به جز بیست دقیقه آخر فیلم، مابقی آن برگرفته از واقعیت بود.» او در ارتباط با انتخاب بازیگران فیلمش توضیح داد: «واقع‌گرا بودن فیلم و شخصیت‌های آن برای ما خیلی اهمیت داشت و بازی آن‌ها نباید به چشم می‌آمد. ما به دنبال این بودیم که گریم بازیگرها خیلی به چشم نیاید.»





در ارتباط با رسانه است و از اصحاب رسانه می‌خواهم آن را حمایت کنند گفت: «ما گذشته را رها کردیم و اگر به گذشته برگردیم می‌توانیم آینده را بسازیم. ۱۰ نوع عقیده متفاوت در این فیلم حضور دارد و این موضوع که این ۱۰ نفر با رادیو در کنار رشادت‌های دیگر نیروها و مردم، شهر را نجات می‌دهند نشان از همدلی آن‌ها دارد.» خوشبخت ادامه داد: «دوره تیر و توپ در فیلم‌ها گذشته است. ما برای ساخت این فیلم موفق به قانع کردن سازمان اوج شدیم، پس از شما نیز می‌خواهم این فیلم را حمایت کنید.»

### آرزو دارم فیلم جنگ تن‌به‌تن بسازم

کارگردان «آبادان یازده ۶۰» در خصوص نقش‌های فیلم گفت: «ما ارتشی تکاور در سکانسی از فیلم داریم که فیلم‌های مستند را به‌سختی پیدا کردیم. آرزو دارم فیلم ذوالفقاری و جنگ تن‌به‌تن آن را بسازم.» سهراب خسروی در ارتباط با تدوین این فیلم بیان کرد: «تدوین این فیلم کار بسیار سختی بود و اجازه دسترسی به آرشیوهای فیلم را به‌سختی به دست آوردیم. گروه ۵۰ نفرهای روی این فیلم کار کردند و بخش‌های مستند به فیلم کمک می‌کند تا واقعیت جریان فیلم را بیشتر ببینیم و حس کنیم.»

### مالوکس نیستیم

طراح چهره‌پردازی فیلم «آبادان یازده ۶۰» گفت: «از روز اول تصمیم گرفتیم در گریم نقش‌ها را به مستندها نزدیک کنیم و چیزی از گریم‌ها بیرون نزنند.» در ادامه خوشبخت افزود: «در فیلم به دنبال بیان اسم رادیوهای واقعی آن زمان نبودیم و مجبور به حذف تعدادی از سکانس‌های فیلم بودیم.» کمالی هم در خصوص انتخاب بازیگرها گفت: «در خصوص این سؤال که می‌گویند چرا ستاره در فیلم نیست؟ باید بگویم ما لوکس نیستیم و ذات فیلم هم به دنبال نشان دادن آدم‌ها و شخصیت‌ها و قهرمان سازی آن‌ها نبود.» او بابیان اینکه من خودم را ستاره نمی‌بینم عنوان کرد: «در این فیلم انتخاب بازیگران بر اساس شهرت برای فروش نبود. همچنین سازندگان فیلم به دنبال شخص محوری نبودند.»

دیگر بازیگر فیلم درباره حضورش توضیح داد: «به این دلیل که عاشق فضای فیلم‌های دفاع مقدس هستم، حضور در این فیلم برایم جذاب بود. نقش برای من نقش سختی بود و با من فاصله داشت.»

### فیلم به دنبال قهرمان بازی نبود

خوشبخت هم در ارتباط با لهجه‌های فیلم «آبادان یازده ۶۰» گفت: «حضور جهانگیر میرشکاری برای آموزش لهجه بسیار مؤثر بود.» کیوان امجدیان، منتقد حاضر در نشست درباره این فیلم بیان کرد: «سینمای ما اگرچه به فیلم‌هایی با پروداکشن‌های خاص نیاز دارد ولی ما برای نمایش بخش ملی‌گرایی سینما به فیلم‌هایی مانند «آبادان یازده ۶۰» نیاز داریم.» او ادامه داد: «لوکیشن محدود فیلم، حس حبس را به مخاطب القا می‌کرد. همه چیز فیلم به‌قاعده بود و به دنبال قهرمان بازی نبود. حس می‌کنم این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره است.»

### صدای موج رادیو تکرار شد

بهزاد عبیدی در ارتباط با موسیقی فیلم گفت: «موسیقی فیلم «آبادان یازده ۶۰» در همه بخش‌های آن حضور داشت و کم‌حجم هم نبود. در این فیلم صدای موج رادیو تکرار شد و در آخر این موج رادیو تبدیل به موسیقی فیلم شد.» او ادامه داد: «موسیقی ارمنی یکسری فواصل دارد و موسیقی فیلم ارمنی نیست. بخشی از موسیقی ارمنی در فیلم اجرا می‌شود و به دنبال بیان این موضوع بودم که نشان دهم شخصیت با موسیقی ارمنی آشنایی دارد.»

### نمی‌خواستیم فیلم پرهزینه شود

حسن کلامی، تهیه‌کننده هم درباره «آبادان یازده ۶۰» عنوان کرد: «در مورد انتخاب این داستان باید بگویم که فیلم‌نامه‌ای را خواندم و اصل داستان و ماجرای آن را دوست داشتم به این دلیل که قهرمان‌بازی داشت و مقاومت مردمی را نشان می‌داد. در جنگ تنها کسانی که در خط مقدم جنگیدند، دفاع‌کننده از میهن نبودند بلکه در پشت خط مقدم نیز بسیاری از افراد فداکاری کردند. ما به دنبال نشان دادن آن‌ها و یادآوری تلاش‌هایشان بودیم.» او درباره عدم حضور بازیگران چهره در فیلم گفت: «انتخاب بازیگران شناخته‌شده در دیده شدن فیلم مؤثر است اما ما به دنبال گران تمام شدن هزینه فیلم نبودیم.»

### ما گذشته را رها کردیم

صمدی هم در پاسخ به این انتقاد که لباس بازیگران بیشتر از اینکه شبیه به دهه ۶۰ باشد به سبجی‌های دهه ۹۰ شباهت دارد، گفت: «ما در مرحله پیش‌تولید بیش از هزار عکس دیدیم و لباس‌ها از روی یکسری از عکس‌ها و بر اساس مستندات انتخاب شدند.» خوشبخت درباره منابع مطالعه فیلم و تحقیقاتشان گفت: «کتاب «فرکانس یازده ۶۰» اصلی‌ترین منبع ما بود و کنار آن از منابع تحقیقی چند کتاب و مصاحبه با کارمندان رادیو نیز استفاده کردیم.» او بابیان اینکه این فیلم





# کمدی و تراژدی در یک روز

در پنجمین روز از جشنواره فجر طبق روال ۳۲ فیلم سینمایی و یک فیلم کوتاه و یک مستند در پردیس ملت رو پرده می‌رود.

## مغز استخوان

حمیدرضا قربانی با «خانهای در خیابان چهلویکم» به عنوان کارگردان به سینمای ایران معرفی شد و در سیوچهارمین جشنواره فیلم فجر نیز حضور پیدا کرد. این حضور برای قربانی نامزدی بهترین فیلم اول بخش «نگاه نو» را به ارمغان داشت. او حالا در دومین تجربه کارگردانیش سراغ موضوعی اجتماعی رفته و بازیگران بنامی را هم برای همکاری دعوت کرده است.

پریناز ایزدیار و جواد عزتی که در سالهای اخیر به چهرههایی مطرح و البته پولساز در سینما بدل شدند، در این فیلم نقشهای اصلی را بازی میکنند و با توجه به اینکه فیلمهای این دو بازیگر از ابتدای امسال هم گیشه پر فروش را پشت سر گذاشتند، میتوان پیشبینی کرد «مغز استخوان» در زمان اکران مورد توجه قرار بگیرد. البته که قربانی برای دیگر نقشهایش هم سراغ بازیگران شناخته شده و آزمون پس داده رفته است

## روز بلوا

سازمان اوج امسال و در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر حضور پررنگی دارد. یکی از تولیدات این سازمان فیلم سینمایی «روز بلوا» به کارگردانی بهروز شعبی است که چهارمین ساخته این کارگردان بعد از فیلمهای «دهلیز»، «اسیانور» و «دارکوب» به حساب می‌آید. شعبی در تجربههای پیشین سوزهای متنوعی را برای ساخت آثارش انتخاب کرده؛ از برشی از فعالیت‌های سازمان مجاهدین که در «اسیانور» به آن پرداخت تا روایت زندگی یک زن معتاد که موضوع فیلم «دارکوب» بود. او اما در تازه‌ترین اثرش سراغ موضوعی پلیسی رفته و قصد دارد چالش‌هایی را که برای یک استاد دانشگاه به وجود می‌آید، روایت کند.

شعبی بابت حمیدیان و لیلایار ع را برای نقش‌های اصلی فیلمش برگزیده و با توجه بازی‌های متفاوتی که بازیگران فیلم‌های قبلی او داشتند، باید منتظر بود و دید این دو بازیگر چه تفاوتی در نقش آفرینی‌شان ارائه می‌دهند.

خلاصه داستان «روز بلوا» به تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان به این شرح است: عماد استاد دانشگاهی خوش‌نام و یک چهره تلویزیونی مورد توجه است. او ناگهان از سوی پلیس با اتهام‌هایی جدی مواجه می‌شود که خود و خانواده‌اش را در موقعیت پیچیده‌ای قرار می‌دهد.

## خوب بد جلف ۲: ارتش سری

پیمان قاسم‌خانی که تجربه اول کارگردانی‌اش به جشنواره سی و پنجم فجر راه پیدا کرد، قسمت دوم اثرش را آماده کرده تا

اولین نمایش آن در سی و هشتمین دوره جشنواره فجر باشد. این فیلم که ادامه قسمت اول «خوب بد جلف» است، پیش از این قرار بود در پاییز سال جاری اکران شود، اما سازندگان آن در نهایت تصمیم گرفتند آن را به جشنواره ارائه دهند.

«خوب بد جلف» در جشنواره سی و پنجم مورد توجه قرار گرفت و توانست دیپلم افتخار بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را به خود اختصاص دهد، اما در اکران اقبال بیشتری پیدا کرد و جزو فیلم‌های پرفروش سال ۹۵ شد.

خبرهای زیادی از قصه و فضای این فیلم منتشر نشده، اما پژمان جمشیدی و سام درخشانی به عنوان بازیگران اصلی این اثر در شبکه‌های مجازی از «خوب بد جلف: ارتش سری» به عنوان اثری جذاب و متفاوت یاد کرده‌اند.

این فیلم قرار است در یک فضای متفاوت به روایت زندگی حرفه‌ای سام و پژمان بپردازد.

عوامل: تهیه‌کننده: محسن چگینی، مدیر فیلم‌برداری: حسین جلیلی، طراح صحنه: آیدین ظریف، طراح گریم: عباس عباسی، طراح لباس: رعنا امینی، صدابردار: داریوش صادقی‌پور، تدوین: میثم مولایی، موسیقی: امیرتوسلی، عکاس: کورش جوان پژمان جمشیدی، سام درخشانی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا، گوهر خیراندیش، فرهاد آئیش، امیرمهدی ژوله، مارال فرجاد و...

در این فیلم بازی می‌کنند.

## عالیجناب

سجاد ایمانی، کارگردان، که در سال ۱۳۶۷ در نورآباد ممسنی متولد شد، تحصیلات خود را در رشته سینما تا مقطع کارشناسی ارشد پیش برده و بیش از ۱۸ فیلم مستند و داستانی ساخته که حاصل آن کسب جوایزی از جمله جایزه بهترین فیلم مستند از جشنواره فیلم کوتاه تهران بوده است.

در خلاصه داستان «عالیجناب» به تهیه‌کنندگی سجاد ایمانی و رضا دانش‌پژوه آمده است: قهرمان ملی بوکس در زندگی خود دچار مشکلی بزرگ شده و در پی حل آن است.

## عزیز

سیدمهدی موسوی‌برزکی که متولد سال ۱۳۶۷ است، با کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلم کوتاه «عزیز» در جشنواره فیلم فجر حضور دارد.

خلاصه داستان «عزیز» به این شرح است: حضور زن غریبه‌ای در چهلمین روز درگذشت پدر خانواده باعث دردسرهایی برای اعضای خانواده مرحوم می‌شود.

گفت‌وگو با کوروش آهاری، کارگردان «آن شب»

## شهاب حسینی همچون دوست و برادر همراه ما بود

گفت‌وگو با محمد حسین مهدویان، کارگردان «درخت گردو»

## ماجرای سیاسی ساختنم ادامه ندارد

گفت‌وگو بابرزو نیک‌نژاد، کارگردان «دوزیست»

## از آب گل آلود ماهی نمی‌گیرم







گفت‌وگو

فجانه

روایت مجرای سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر



### عوامل

فیلمنامه‌نویسان: میلاد جرموز، کوروش آهاری، مدیر فیلم‌برداری: مازیار مکانی، چهره‌پرداز: بابک اسکندری، طراح صحنه: جنیفر دهقان، طراح لباس: مریم راسخ، تدوین: مهدی واحدی، صداپرداز: آرمن کارباف، صداگذار: کامی عسگری، موسیقی: نیما فخرآرا، جلوه‌های ویژه بصری: اسماعیل قنبری، عیدیوی بازیگران: شهاب حسینی، نیوشا جعفریان، امیرعلی حسینی، آرمن مهر، گلبرگ خاوری، علی کوششی و لیلاناوگانیان بازیگران خارجی: لی‌لی ویکی، جرج مگوایر، الستر لیتم، مایکل گرم، جیامورا

### خلاصه داستان

یک زوج ایرانی ساکن آمریکا در هتلی محبوس می‌شوند. این اتفاق، سبب وقوع ماجراهایی است تا ناچار شوند با رازهایی که از هم پنهان داشته‌اند، روبه‌رو گردند.



گفت‌وگو با کوروش آهاری، کارگردان «آن شب»

## شهاب حسینی همچون دوست و برادر همراه ما بود

زوجی ایرانی در آمریکا در یک هتل محبوس می‌شوند، درحالی‌که نیروهای بیگانه‌ای آن‌ها را وادار می‌کنند با رازهایی که از هم پنهان کرده‌اند، روبه‌رو شوند. این داستان فیلمی رمزآلود است که کوروش آهاری در آمریکا ساخت آن را کلید زده است و شهاب حسینی را به عنوان سرمایه‌گذار و بازیگر در کنار خود دارد. کارگردانی که سال‌هاست در ایران زندگی نمی‌کند، اما می‌گوید عرق ملی به خاک وطن دارد و از دغدغه‌های اصلی‌اش ساخت فیلم برای مخاطب ایرانی و اکران آن در ایران بوده است.

کوروش آهاری تأکید دارد فیلم را متناسب با قوانین جمهوری اسلامی ساخته است، اما تلاش کرده استانداردهای فیلم‌های آمریکایی را برای ساخت فیلم رعایت کند؛ فیلمی که هم مخاطب ایرانی را جذب کند، هم مخاطب خارجی را.

کوتاه به نام «نسل‌ها» تولید کردم که در چند جشنواره به نمایش گذاشته شد.

اما در مورد ساخت این فیلم، یکی از اهداف بزرگ و دغدغه‌های همیشگی من این بود که فیلم بلندم را یک داستان ایرانی کار کنم؛ فیلمی که یا در ایران تهیه کنم، یا در آمریکا باشد، ولی پیرامون یک داستان ایرانی باشد.

من کمپانی ماموت پیکچرز را در آمریکا دارم و به همراه یکی از تهیه‌کنندگان فیلم تصمیم گرفتیم فراخوان فیلمنامه‌نویسی

■ با مطالعه درباره پیشینه شما و شرایط ساخت «آن شب» واضح است که انتخاب شما ساخت فیلمی خارج از مرزهای ایران با قاعده و قوانین جاری در ایران است. چطور به این تصمیم رسیدید؟

مدت‌هاست در آمریکا هستم و از سن ۱۸ سالگی آن‌جا زندگی می‌کنم. تحصیلاتم را هم آن‌جا گذراندم. قبل از فیلم «آن شب» هم کارهای کوتاهی تولید کرده بودم که عمدتاً پیرامون داستان‌های غیرایرانی و خارجی است. آخرین بار هم یک کار





فیلم ایرانی را دوست دارند. حالا چه فیلم‌ساز ایرانی فیلم ایرانی بسازد، چه داستان‌های ایرانی که بازیگران آن ایرانیان هستند. موضوع دیگر هم علاقه شخصی خود من بود. آن ژانری که ما در این فیلم کار کردیم، ژانر عامه‌پسندی در ایران نیست و خیلی کم کار شده است. می‌دانستم مخاطب این فیلم در ایران وجود دارد. فقط شاید کاری در کیفیت در خور بیننده ایرانی ارائه نشده باشد. لذا تلاش کردم این فضا را مهیا کنم، چون من خودم به این ژانر علاقه خاصی دارم، یعنی فیلم‌هایی که به داستان انسانی و درونی هم اشاره می‌کند و صرفاً یک ژانر وحشت یا معمایی نیست، فیلمی که داستانی ریشه‌ای‌تر را در فضایش - که همان فضای ترس است - مطرح می‌کند. خواستم هم این فضا را ایجاد کنم، هم کاری در استاندارد فیلم‌های آمریکایی به مردم خودم ارائه دهم. بنابراین ساخت این فیلم بیشتر دغدغه شخصی بود و تصورم این بود که زمان مناسبی است که این اتفاق بیفتد.

■ آقای آهاری! شرایط ساخت فیلم در آن‌جا چطور بود؟ به‌هرحال برای ساخت فیلم امکاناتی لازم است. بودجه چطور تامین شد؟ امکانات را چطور گرفتید؟ هزینه فیلم برایتان معقول بود یا سنگین شد؟

فیلم «آن شب» به نسبت فیلم‌هایی که آن‌جا تهیه می‌شود، جزو فیلم‌هایی با هزینه پایین محسوب می‌شود. ما سرمایه‌گذاران متفاوتی داشتیم. بخشی از سرمایه فیلم را شهاب حسینی به عنوان یکی از سرمایه‌گذاران متقبل شد. سرمایه‌گذاران خارجی هم علاقه خاصی نشان دادند. در واقع داستان فیلم داستانی است که می‌تواند جهانی باشد و صرفاً مخاطب ایرانی را در بر نمی‌گیرد. یک داستان انسانی است که بیننده آمریکایی هم با آن ارتباط برقرار می‌کند. به همان نسبت سرمایه‌گذاران خارجی هم با فیلم ارتباط برقرار کردند و دوست داشتند پشت کار باشند و توانستیم محصول مشترکی بسازیم. از نظر امکانات هم شانس‌هایی که من آوردم و فیلم ما آورد، این بود که خیلی از دوستانی که پشت کار آمدند، از طراح صحنه، مدیر فیلم‌برداری و... ایرانی بودند. ایرانی‌هایی که آن‌جا بزرگ شده‌اند، یا ایرانی‌هایی مثل آقای بابک اسکندری که از ایران آمده بودند. در واقع گروه و سرگروه‌ها ایرانی بودند و با علاقه و عشق خاصی وارد کار شدند و با هزینه‌های خیلی پایین‌تر کار کردند. مثلاً مدیر فیلم‌برداری، آقای مازیار مکانی، تشکیلات و وسایل را خودش آورد، لذا باید بودجه بیشتری هزینه می‌کردیم، ولی به خاطر این روند هزینه کمتری کردیم و با بودجه‌ای که ما تهیه کردیم، جزو فیلم‌های کم‌هزینه شد.

■ سینمای ایران را چطور دنبال می‌کنید و چه جنس از سینمای ایران را می‌شناسید؟

من سینمای ایران را کم‌وبیش در سال‌های اخیر دنبال کردم و می‌دانم که فیلم‌های اجتماعی، درام و کمدی یک سبک پایپ‌لار هستند و طرفداران خودشان را دارند. فیلم‌های جالبی که این سال‌ها ساخته شد، مثل فیلم «آبد و یک روز» یا «متری شیش

برگزار کنیم. لذا دعوت کردیم از فیلمنامه‌نویسان ایرانی که فیلمنامه‌هایشان را بفرستند. در فراخوان به موضوعی هم که دنبالش بودیم، اشاره کرده بودیم.

در این روند ما با آقای میلاد جرموز آشنا شدیم و فیلمنامه ایشان انتخاب شد. از آن‌جا به بعد، من با همکارم... روی فیلمنامه کار کردیم. آن را نوشتیم و به مرحله اجرا رساندیم. در گفت‌وگو‌هایی که با ایشان داشتیم، گفتم من می‌خواهم فیلمی برای مردم خودم بسازم که بتوانم در ایران و برای مردم خودم اکران کنم و به نمایش بگذارم. در فرایند کار به صورت تصادفی، با پسر آقای درمنش یعنی محسن درمنش که در آمریکا هستند، آشنا شدم و با پدرشان صحبت کردند و به این نتیجه رسیدیم که یک تهیه‌کننده ایرانی باید پروانه ساخت بگیرد. بعد از این که آقای درمنش پروانه ساخت را گرفتند و فیلم را به مرحله اجرا رساندیم، سعی کردیم بر اساس قواعد و قوانین جمهوری اسلامی فیلم را جلو ببریم. هم چنین تلاش کردیم استانداردها و فیلم‌های آمریکا را به مردمان ارائه دهیم.

■ چرا می‌خواستید فیلم طوری باشد که بتوانید در ایران به نمایش بگذارید؟ چون احساس کردید آن مخاطب برای کار شما بیشتر است، یا علاقه شخصی بود، یا ترکیبی از این‌ها؟ هر دو دلیل. عرق ملی من زیاد است و خیلی دوست دارم شرایط فیلم‌سازی در ایران را برای خودم فراهم کنم. نکته جالب این است که هرچه من جلوتر رفتم، با دوستان ایرانی دیگری که آمریکا زندگی می‌کنند، مخصوصاً کسانی که آن‌جا به دنیا آمده‌اند و نسل جدیدی هستند، آشنا شدم. خیلی برایم جالب بود که همه این علاقه و حس و عرق ملی من را هم دارند و





بیننده جهانی، کار دشواری است.

### ■ تجربه شما چطور بود و این وضعیت را چطور گذراندید؟

خوش بختانه چون از بچگی در ایران بزرگ شدم، ریشه و فرهنگ من شکل گرفته بود. من خودم را کاملاً یک ایرانی می‌دانم و با آدم‌ها و فرهنگ ایرانی آشنا هستم. از طرف دیگر، سال‌های زیادی که در آمریکا گذراندم، باعث شده نسبت به فرهنگ آن‌جا هم یک نگاه خوب و کلی و نسبتاً کاملی داشته باشم. آن نگاه به من کمک کرد که حد میانه را پیدا کنم و بدانم بیننده آمریکایی با چه چیزی ارتباط برقرار می‌کند و بیننده ایرانی با چه فیلمی ارتباط برقرار می‌کند. خوش بختانه تا الان آن طرف‌اوی بوده است. امیدوارم در ایران هم همین‌طور باشد.

### ■ از همکاری با آقای شهاب حسینی هم برابمان بگویید. گفتید یکی از سرمایه‌گذاران فیلم هم هستند.

شروع آشنایی من با آقای حسینی قبل از نقش ایشان در فیلم بود. یعنی کمپانی ایشان (سون اسکای اینترتینمنت) به عنوان سرمایه‌گذار مطرح بود. ما از طریق آقای درمنش فیلم را به آقای حسینی رساندیم. او مطالعه کرد و خواست که حضوری هم‌دیگر را ببینیم. لذا در سفری که به آمریکا داشتند، ما یک جلسه‌ای داشتیم و صحبت کردیم. در پایان حرفی که ایشان به من زدند، این بود که می‌توانی روی من به عنوان دوست، برادر و بازیگر حساب کنی و همین‌طور هم بوده است. در واقع رابطه من و ایشان رابطه‌ای فراتر از بازیگر و کارگردان بود. دغدغه خودشان این بود که پل ارتباطی بین فرهنگ ایرانی و دیگر کشورها برقرار شود و تلاش کنیم فرهنگ غنی ایرانی و داستان‌های ناگفته که در ابیات و فرهنگ غنی داریم، برای جهانیان گفته شود. برایشان جذاب بود که یک عده جوان ایرانی در آمریکا سعی می‌کنند این کار را انجام دهند و ملاک اولشان این بود. رابطه خیلی خوبی هم داشتیم. ارتباطمان زیبا و بیشتر از همکاری بود.

خیلی خوشحالم و افتخار بزرگی است که توانستیم فیلمی را بسازیم که در جشنواره به نمایش درآید. جشنواره فجر، جشنواره بزرگ و باارزشی است و این را امتیازی برای خودم می‌دانم و امیدوارم مردم از فیلم استقبال کنند. آن‌را دوست داشته باشند و بتوانم بیشتر برای مردم تلاش کنم.

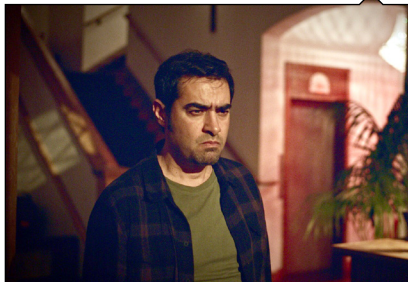
و نیم)) یا «سرخ‌پوست» فیلم‌هایی بودند که دیدم و معتقدم نسل جدید یک نسلی است که تمام تلاش هایش این است که کیفیت و استاندارد فیلم‌ها را به سطح بالایی برساند. باعث افتخار است که بتوانم در کنار این نسل سهمی داشته باشم و در کنار این گروه از دوستان کاری بکنم.

■ آقای آهاری: فیلم‌سازان ایرانی وقتی از مرزهای ایران خارج شدند و خارج از ایران فیلم ساختند، فیلم‌هایشان به‌سختی توانست به همان موفقیتی برسد که در داخل مرزهای ایران داشتند. دلیل این موضوع را چه می‌دانید و چه تحلیلی از این قضیه دارید؟ شاید شما بهتر از ما این موقعیت را درک کرده باشید.

مثالی می‌زنید؟

■ مثلاً فیلم‌های «گذشته» یا «همه می‌دانند» آقای فرهادی موفقیت و کیفیتش با فیلم‌هایی که در ایران ساخت متفاوت بود. یا فیلم‌های آقای کیارستمی. ولی فیلم‌هایی که آقای امیر نادری خارج از ایران ساخت، به موفقیت فیلم‌های داخل ایران نش نرسید. انگار دور شدن از مرزها و زادگاه، فیلم‌سازی را که در ایران پرورش یافته، دچار سردرگمی می‌کند. ولی این قضیه در مورد شما می‌تواند به شکلی دیگر باشد. شما آن‌جا را تجربه کردید و فیلمی می‌خواهید بسازید که با قوانین ایران است، اما در خارج از کشور است. این یک شرایط تازه‌تری را شکل می‌دهد.

فیلم‌سازی که اشاره کردید، اساتید بزرگی هستند و تصمیماتشان بر اساس یک دلیل و مبنای خاصی بوده است. من با دانش اندکی که دارم، می‌گویم چیزی که من فکر می‌کنم، این است که این دوستانی که خارج از کشور کار کردند، همیشه دغدغه داشتند داستانی را کار کنند که به نوعی جهانی باشد. یعنی نه تنها بیننده ایرانی، بلکه بینندگان دیگر کشورها هم با آن ارتباط برقرار کنند. گاهی این بالانس و تعادل برقرار کردن کار سختی است، چون باید فکر کنی که این نوع گویش و گفت‌وگو و صحنه برای بیننده خارجی با یک فرهنگ و نگاه متفاوت به زندگی قابل درک است. یا به چه شکلی گفته شود که قابل درک و فهم باشد. خیلی اوقات پیدا کردن این حالت تعادل و مابینی که هم با بیننده ایرانی ارتباط برقرار کند و هم





گفت‌وگو

فجانه

روایت مجرای سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر



### عوامل

فیلمنامه نویسان: ابراهیم امینی، حسین حسینی، مدیر فیلم برداری: هادی بهروز، چهره پرداز: شهرام خلج، طراح صحنه: محمدرضا شجاعی، بهزاد جعفری، طراح لباس: محمدرضا شجاعی، بهزاد جعفری، تدوین: محمد نجاریان، صداپرداز: هادی ساعد محکم، صداگذار: مهرشاد ملکوتی، موسیقی: حبیب خرابی فر، جلوه های ویژه میدانی: ایمان کریمیان، جلوه های ویژه بصری: امین پهلوان زاده، کامیارسفیع پور، عکاس: مجید طالبی بازیگران: پیمان معادی، مینا ساداتی، با معرف میونسرینی پورو با حضور مهران مدیری

### خلاصه داستان

شهر گرفتار فاجعه شده، قادر باید خانواده اش را نجات دهد.



گفت‌وگو با محمدحسین مهدویان، کارگردان «درخت گردو»

## ماجرای سیاسی ساختنم ادامه ندارد

نژاد بیگانیان

نام محمدحسین مهدویان در چند سال گذشته برای بسیاری کنجکاوی برانگیز بوده و خیلی‌ها در انتظار تماشای فیلم‌های این کارگردان جوان اند. سیمرغ بهترین فیلم جشنواره تابه‌حال دو بار به فیلم‌هایی رسیده که مهدویان آن‌ها را ساخته؛ «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز». او که بعد از ساخت «ماجرای نیمروز؛ ردخون» اعلام کرده بود دیگر فیلم سیاسی در بستر زمانی تاریخ معاصر نمی‌سازد، در فیلم جدیدش، «درخت گردو»، سراغ موضوعی متفاوت رفته؛ بمباران شیمیایی سردشت که رویکردی که او در فیلم داشته، علامت سوال بزرگی را در ذهن ایجاد می‌کند. ترکیب بازیگران فیلم مهدویان هم از دیگر نکات جالب است. حضور پیمان معادی و مهران مدیری در کنار هم حتماً یکی از جذابیت‌های این فیلم که اولین نمایشش را در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر تجربه می‌کند، خواهد بود. مهدویان که چندان علاقه‌مند به گفت‌وگو پیش از نمایش فیلمش نبود، پاسخ‌گوی سوالات ما شد.

را پیدا کنم و آن را به تکامل برسانم. قطعاً «درخت گردو» هم گامی در همین جهت است.

■ هر جسارتی توانایی نیز دارد و تاوان جسارت شما در فیلم‌سازی نظرات مختلفی است که درباره فیلم‌هایتان مطرح می‌شود، از جمله این‌که شما با حاشیه‌ای امن می‌توانید به موضوعات ملتهب نزدیک شوید. حقیقت چنین است؟

در شرایط تولید در سینمای ایران واقعا هیچ‌کس حاشیه امن ندارد. همه مورد نظارت هستیم و واقعا پادم نمی‌آید جایی کسی اجازه ویژه‌ای به من داده باشد که به شخص دیگری نداده باشد. من همیشه برای ساختن فیلم‌هایم جنگیدم، برای کلمه به کلمه و خط به خط فیلم‌نامه‌ام جنگیدم؛ گاهی موفق شدم و یک وقت‌هایی هم موفق نشدم. من هم تا اندازهای مورد ممیزی و حتی سانسور قرار گرفتم و در مورد

■ «ایستاده در غبار» به عنوان یک فیلم خلاقانه نوید حضور یک کارگردان جسور در سینمای ایران را داد. حالا این کارگردان در طول مسیری که تاکنون پیموده، شاید از آن اوج جسارت با نوسانی فاصله گرفته باشد. اما به نظر می‌رسد در حال تعریف لحن و زبان و ادبیات سینمایی خود برای مخاطب است. آیا خودتان مسیر طی شده از «ایستاده در غبار» تا «درخت گردو» را این‌طور می‌بینید؟

من همان آدمی هستم که «ایستاده در غبار» را ساختم و همه تلاشم این است که اثری خلق کنم که اندازه پرده سینما و برای مخاطب جناب باشد. دوست دارم اثرم مخاطب را به تامل وادارد. البته که من چهار، پنج فیلم ساختم و به نظر خودم هم چنان تازه‌کار هستم و در ابتدای راهم. من هنوز تجربه می‌کنم و شاید به تعبیر شما تلاش می‌کنم لحن و زبان خودم





## دید و چه رویکردی را انتخاب کردید تا این اتفاق پر از احساسات از سطح به عمق برسد؟

من ترجیح می‌دهم قبل از این‌که فیلم دیده شود، راجع به رویکردی که در آن داشتیم، صحبت نکنم. هر رویکردی که ما انتخاب کردیم، در فیلم هویداست و بهتر است مخاطبان آن را تماشا کنند و با آن مواجه شوند. به نظرم تماشاگر باید بدون پیش‌داوری یا اثر روبه‌رو شود و اساساً فکر می‌کنم صحبت کردن راجع به رویکردها قبل از دیدن اثر جالب نیست.

■ **با توجه به موفقیت‌های فیلم‌های قبلی‌تان که زاویه دید سیاسی داشتند، چه نقشه ذهنی‌ای شما را بر آن داشت تا رویکرد خود را به سمت سینمای غیرسیاسی تغییر دهید؟** من (ماجرای نیمروز) را ساختم که قصه‌ای سیاسی داشت و بعد تصمیم گرفتیم قسمت دوم آن را بسازیم که آن هم به تبع متناسب با فضای فیلم اول بود. دو فیلم دیگر من اما فیلم‌های سیاسی نیستند. من یک ملودرام اجتماعی به نام «لاتاری» دارم و یک فیلم جنگی به اسم «ایستاده در غبار». طبیعتاً نه از ابتدا قرار بود که من تا ابد فیلم‌هایی با موضوعات سیاسی بسازم و نه چیزی از پیش معلوم است. یک فیلم سیاسی ساختم و یک قسمت دوم هم برای آن. دیگر قرار نیست ماجرا ادامه داشته باشد.

■ **شما به لحاظ تکنیک از کارگردان‌هایی هستیکه همیشه نوآوری دارید، در این فیلم تکنیک جدیدی را ارائه دادید که برای مخاطب هم غافل‌گیرکننده باشد؟**

شاید ویژگی مهم این فیلم به لحاظ فنی فرمت فیلم‌برداری آن است که با سه گیت مختلف انجام شده و برای خودمان تجربه بسیار جذابی بود که در سه دوره مختلف زمانی انجام شده است. خودم خیلی از نتیجه کار راضی‌ام و امیدوارم همین ویژگی تأثیر ناخودآگاه خودش را روی مخاطب هم بگذارد و او نیز از آن چه مدنظر ما بوده، رضایت داشته باشد.

بخشی از فیلم‌هایم هم مقاومت شده است، ولی سعی کردم حسن نیت را نشان دهم و صادقانه با موضوعات روبه‌رو شوم و فیلمم را بسازم.

■ **«درخت گردو» را در سکوت خبری ساختید، اما حالا که به نمایش فیلم نزدیک می‌شویم، کمی از فضا و حال‌وهوای این اثر برایمان بگویید و این‌که این فیلم چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با آثار قبلی‌تان دارد؟**

من نمی‌توانم فیلم خودم را تحلیل کنم و بعد هم آن را با فیلم‌های دیگر مقایسه کنم. به هر حال «درخت گردو» هم حتماً شباهت‌هایی به فیلم‌های قبلی‌ام دارد، به این دلیل که فیلم من است و فیلم‌های قبلی را هم من ساختم. وقتی چند فیلم را یک نفر می‌سازد، طبیعتاً مولفه‌های مشترک بینشان پیدا می‌شود. اما حتماً هم تفاوت‌هایی دارد، برای این‌که یک فیلم تازه است و هر فیلم تازه‌ای ویژگی‌های منحصربه‌فرد خودش را هم دارد. اما همه این‌ها را باید کسانی که فیلم را می‌بینند، داوری کنند.

■ **تیم بازیگری «درخت گردو» یکی از بحث‌برانگیزترین و جالب‌ترین موضوعات درباره این فیلم است، از رسیدن به این ترکیب هم برایمان بگویید.**

یکی از مهم‌ترین چالش‌های هر فیلمی که ساخته می‌شود، انتخاب بازیگرانش است. در این فیلم هم متناسب با فیلمنامه‌ای که داشتیم، باید از بازیگرانی دعوت می‌کردیم که متناسب با فیلم باشند و در راستای اهدافی باشند که بعداً در اکران و مواجهه با مردم داشتیم. گزینه‌هایمان را بررسی کردیم، مذاکراتی هم داشتیم و در نهایت به ترکیبی که در فیلم می‌بینید، رسیدیم.

■ **ماجرای سردشت یکی از فجایع انسانی رخ داده در ایران است که برای پرداخت عمیق و نسبتاً جامع به آن قطعا فیلم‌ساز و فیلمنامه‌نویس با سختی همراه است. چه زاویه**





## عوامل

فیلمنامه‌نویس: برزو نیک‌نژاد، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برارنده،  
چهره‌پرداز: ایمان امیدواری، طراح صحنه: امیرحسین قدسی، طراح  
لباس: ملودی اسماعیلی، تدوین: مهدی سعدی، صداپرداز: مهدی  
صالح‌کرمانی، صداگذار: علیرضا علویان، موسیقی: آرمان موسی‌پور،  
جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقابیک، جلوه‌های ویژه بصری: وحید  
قطبی‌زاده، عکاس: مجید مطلبی  
بازیگران: جواد عزتی، پژمان جمشیدی، هادی حجازی‌فر، ستاره  
پسیانی، الهام‌اخوان، مجید نوروزی

## خلاصه داستان

دوزیسته دیگه.





گفتگو با برزو نیک‌نژاد، کارگردان «دوزیست»

## از آب گل آلود ماهی نمی‌گیرم

برزو نیک‌نژاد با چهارمین اثر خود، «دوزیست»، در جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر حضور دارد. خود او را می‌توان از منظر حرفه‌ای فیلم‌سازی دانست که هم در مدیوم تلویزیون تجربه سریال‌سازی دارد و هم در سینما فیلم می‌سازد، هم فیلمنامه می‌نویسد و هم کارگردانی می‌کند. او در «دوزیست»، سراغ قصه‌ای اجتماعی رفته و این بار روایت و ساختار متفاوت‌تری را نسبت به آثار قبلی‌اش تجربه کرده است.

درباره «لونه زنبور» نظری ندارم، چون من فقط کارگردان این اثر بودم و نمی‌توانم بگویم این فیلم فیلمی بوده که خودم مولفش هستم. گرچه این فیلم با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد و فروش خوبی هم کرد، اما من نمی‌توانم نظری درباره‌اش بدهم. «دوزیست» یک فیلم کاملاً اجتماعی است، البته اگر زائر اجتماعی را به طور کلی زائر در نظر بگیریم.

■ **مخاطب چه فضای جدیدی را در فیلم سینمایی «دوزیست» تجربه می‌کند و قصه این فیلم در چه بستری روایت می‌شود؟**  
 «دوزیست» یک ملودرام عاشقانه است، ولی صادقانه می‌گویم که شبیه هیچ‌کدام از ملودرام‌های عاشقانه‌ای که خودم تا به حال دیده‌ام، نیست. شاید دوستانی فیلم‌هایی شبیه به این ملودرام را دیده باشند، اما خود من با وجود این‌که از آن دست افرادی هستم که خیلی فیلم می‌بینم، اما شبیه آن را ندیده‌ام. نوع روایت قصه «دوزیست» خیلی متفاوت است و قطعاً به فراخور حال خودم و قصه‌ای که ایجاد می‌کرد، این فیلم کم‌دی نیست.

■ **منظورتان شرایط و حس و حال بیشتر مردم است که این روزها چندان خوب نیست؟**

■ **آقای نیک‌نژاد! با توجه به فیلم‌های قبلی شما و پیشینه‌ای که مخاطب از آن‌ها دارد و از آن جایی که آثار قبلی‌تان فیلم‌های اجتماعی بودند که رگه‌های کم‌دی در آن‌ها پررنگ بود، مخاطب در «دوزیست» هم با چنین فضایی مواجه می‌شود، یا مسیر تازه‌ای را در فیلم جدیدتان طی کردید؟**

اگر به سیر فیلم‌سازی من نگاه کنید، ردپای پررنگی از موضوعات و درون‌مایه‌های اجتماعی در آثارم می‌بینید. فیلم اول من، «ناخواسته»، یک ملودرام عاشقانه بود که می‌توان گفت در لحظاتی چگونگی رسیدن به قصه‌گویی و نزدیک شدن به روایت عاشقانه در یک فضای متفاوت را به تصویر می‌کشید. فیلمی که در بستر بیابان و جاده اتفاق می‌افتد و در مقابل قصه ملودرامش یک دوئل هم در خودش دارد و تردیدی است برای رسیدن و نرسیدن، دور شدن یا نزدیک شدن. در فیلم بعدی‌ام، «زاپاس»، که قصه‌ای کاملاً اجتماعی داشت، ملودرام نقش اساسی و پررنگی ایفا می‌کرد؛ روایتی که مبتنی بر اقتضای قصه برای این فیلم در نظر گرفته شده بود و لحن و بیان در آن عمدی بود. شاید بتوانم بگویم حال‌وهوای «زاپاس» در زمانی که ساخته شد، به حال خودم در همان مقطع نزدیک بود.

پیش‌داستان («دوزیست») هم همه شرایط شیرین بوده و حالا آن شیرینی قرار است با تلخی‌ای که وجود دارد، معنا پیدا کند.

■ **پس با این تعاریفی که شما دارید، شخصیت‌ها باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند. درست است؟**

در «دوزیست» روابط و آدم‌های ویژگی‌ها هستند. یعنی اگر به من بگویند کدام بخش از کار را بیشتر دوست داری، قطعاً می‌گویم آدم‌های قصه‌ام را عاشقانه دوست دارم. امیدوارم مردم هم آن‌ها را دوست داشته باشند.

■ **شخصیت‌پردازی با این شرایط چقدر سخت بود؟**

بسیار سخت، اما همه آن‌ها آدم‌هایی هستند که می‌شناسیمشان، اما انگار هیچ‌وقت از این زاویه به آن‌ها نگاه نکرده‌ایم. آدم‌های قصه‌های من اما هیچ‌وقت از فضا نیامده‌اند و همیشه روی زمین هستند. چه زمانی که سریال ساختم و چه موقعی که فیلم سینمایی کارگردانی کردم. آدم‌هایی که حس می‌گویند مردم هم با آن‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، حتی اگر از بعضی از آن‌ها بدشان بیاید، اما باز هم واقعی‌اند.

■ **در «دوزیست» سراغ بازیگران چهره رفتید. در انتخاب آن‌ها چه پروسه‌ای را طی کردید؟**

وقتی من فیلمنامه را برای بازیگران فرستادم و زمانی که شوق آن‌ها را دیدم، اشتیاق خودم بیشتر شد و به این نتیجه رسیدم که حتماً باید فیلمنامه خوبی داشته باشی که بتوانی این بازیگرها را که هر کدام چهره‌های شناخته‌شده، مطرح و محبوبی هستند، به کار دعوت کنی. جمع کردن این تعداد بازیگر با فیلمنامه بد نشدنی است. اما سختی این مسیر این بود که باید بازیگر نقش اصلی زن فیلم را که تحصیل کرده رشته بازیگری است - اما این فیلم تا حدودی تجربه اول بازیگری‌اش بود - کنار بازیگرهایی بگذارم که هر کدام بسیار باتجربه هستند. یک‌دست کردن بازی‌های این بازیگران هم بسیار سخت بود، ولی خوش‌بختانه هم خانم الهام اخوان که چهره جدید ما بودند و هم بازیگران باتجربه ما به دلیل هم‌دلی که در گروه بود، درخشان ظاهر شدند و این هم‌دلی بین بازیگران اتفاق‌های خوبی را رقم زد.

جواد عزتی، الهام اخوان، هادی حجازی‌فر، پژمان جمشیدی، ستاره پسیانی، سعید پورصمیمی و مانی حقیقی همه در این فیلم بسیار متفاوت ظاهر شدند و البته حضور همراه با لطف مجید نوروزی را هم داشتیم که یک صحنه برای ما بازی کرده است. این نظر من است که اگر مخاطب بعداً فیلم را دید و ایرادی از آن پیدا کرد، همه را به من به عنوان کارگردان ربط دهد. این بازیگران همه‌شان با فیلم‌های قبلی‌شان متفاوت هستند و واقعا برای نقش‌هایشان زحمت کشیدند. این بخش برای من به عنوان کارگردان هم بسیار سخت بود. ما در این فیلم شاید تعدادی سکانس‌های دو نفره یا سه نفره هم داشته باشیم، اما حجم سکانس‌های این شش، هفت بازیگر که با هم در صحنه هستند، زیاد است و شما حتماً به من حق می‌دهید که مدیریت این همه بازیگر در یک پلان یا سکانس به‌شدت کار سختی است.

در «دوزیست» روابط و آدم‌های ویژگی‌ها هستند. یعنی اگر به من بگویند کدام بخش از کار را بیشتر دوست داری، قطعاً می‌گویم آدم‌های قصه‌ام را عاشقانه دوست دارم. امیدوارم مردم هم آن‌ها را دوست داشته باشند.

بله، به نظر الان خنده‌های همه‌مان زورکی شده است و من هم توان ساختن فیلمی که بتواند مردم را شاد کند، ندارم. اما نکته مهمی در این میان وجود دارد و آن این است که مردمان ایران زمین همه‌شان طنز هستند و سعی می‌کنند در ادبیاتشان طنزهای کنند. این روحیه به پیشینه ادبیات ایران زمین برمی‌گردد. ولی الان با این حال هیچ حسی در این زمینه وجود ندارد و حتی اگر هم می‌خندیم، به باور من غیرواقعی است. این روزها فقط می‌خندیم که دل طرف مقابلمان را خوش کنیم.

■ **پس هم به خاطر چالش‌هایی که در جامعه وجود دارد که باعث شده مردم حال خوبی نداشته باشند و هم این که خود قصه «دوزیست» روایت دیگری را ایجاب می‌کرده، لحن این فیلم جدی‌تر است؟**

واقعیتش را بگویم، من آدمی نیستم که بخواهم از آب گل آلود ماهی بگیرم. «دوزیست» هم قبل از اتفاقاتی که در چند ماه اخیر در جامعه رخ داده، ساخته شده است. برای من همیشه مردم مهم بودند و فیلم‌هایم را هم برای مردم ساختم. البته که بی‌منت این مسیر را می‌روم، چراکه خودم دوست دارم فیلم‌هایم مقبول نگاه مردم باشد و تلاش می‌کنم این اتفاق بیفتد. مردم هم همیشه لطف دارند و من ازشان ممنونم.

■ **از حال و هوای قصه کمی بیشتر برایمان بگویید.**

اگر بخواهم درباره خود فیلم «دوزیست» و حال و هوایش توضیح بیشتری بدهم، باید بگویم این قصه جزو قصه‌هایی بود که قبل از ساخته شدن من را ول نمی‌کرد و نمی‌توانستم آن را نسازم. گرچه فیلم «دوزیست» برای من هنوز تمام نشده است. این را هم باید بگویم که من از آن دست کارگردان‌هایی هستم که نمی‌توانم بگویم فیلمی را ساختم که در جشنواره هم نمایش داده می‌شود و حالا برایم تمام شده است. این‌طور نیست، به نظر من سیکل فیلم‌ساز زمانی کامل می‌شود که نگاه و نظر مخاطب عام و خاص درباره آن مطرح شود و من الان شدیداً منتظر نگاه مردم هستم که با فیلم چه ارتباطی می‌گیرند. اما قطعاً باز هم معتقدم زندگی در سخت‌ترین نقاط جایی برای خندیدن باقی می‌گذارد و در «دوزیست» هم در آن بخش‌هایی که قرار بر طنز است، طبیعتاً این مسئولیت یا برعهده شخصیت‌هاست، یا برگرفته از قصه است. ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم بگوییم قرار است فیلمی را ببینیم که مطلقاً مطلقاً است، گریه و خنده، تلخی و شیرینی باید باشند و همیشه در واقعیت زندگی نیز کنار هم هستند. در





مستند «خسوف» به روایت محسن استادعلی

# تردید داستان ابدی ازلی هر یک از ماست

## ■ موضوع اثر:

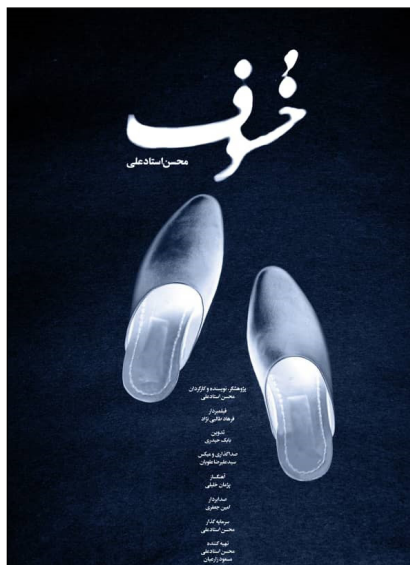
طلبه جوانی، مدت‌هاست که بین پوشیدن لباس روحانیت و فیلم‌سازی دچار تردید شده است.

## ■ عوامل

کارگردان: محسن استادعلی، تهیه‌کننده: محسن استادعلی، مسعود زارعیان، سرمایه‌گذار: محسن استادعلی، نویسنده و پژوهش‌گر: محسن استادعلی، مدیر تصویربرداری: فرهاد طالبی‌نژاد، تدوین: بابک حیدری، صداپرداز: امین جعفری، صداگذار: سیدعلیرضا علویان، موسیقی: پژمان خلیلی، عکاس: محمود حسینی

بدهی.

تردید داستان ابدی ازلی هر یک از ماست در آستانه‌های انتخاب؛ آن هم در زمانه‌ای که قضاوت درستی نمی‌شود و حتی شنیده هم نمی‌شود، پیش از آن‌که زبان باز کنی. «خسوف» فیلم همین بزنگاه‌هاست، فیلم لحظات جان‌گاهی که گاهی حتی آن‌قدر فرصت نداری تا تعلیقی ایجاد کنی، هرچند کوتاه برای خلوت خویش. «خسوف» حاصل اعتماد یک جمع است، انسان‌هایی که ذره ذره خود را در فیلم عیان می‌کنند و زندگی خودشان را با تماشاگر سهیم می‌شوند تا آرام آرام مخاطب نیز با آن‌ها انس گیرد و هم‌نشین شود.



وقتی دودلی و مردد، قدرت تصمیم‌گیری از تو گرفته می‌شود و بین زمین و هوا گرفتاری. راهی را آمده‌ای و دلت را خوش کرده‌ای به لحظه رسیدن، به نقطه‌نهایی، به جایی که می‌توانی تکیه کنی و تجربه کنی و ثابت‌قدم باشی. اما زهی خیال باطل! نه راه آمده راضی نگهت داشته و نه چشم‌انداز پیش رو برایت روشن است. صبح را به شام می‌رسانی و روزت به ماه می‌رسد و ماهت به سال. اما دریغ که نه آنی را که رفته، گشایشی بوده و نه اینی که هست!

تردید بقیه‌ات را گرفته و کاری کرده کارستان. وقتی در دوراهی هستی، چاره‌ای نداری. یا باید ساکن میانه راه شوی و تا ابد در سکون با خود رقابت کنی، یا باید دل را به دریا بزنی و فرصت غوطه‌ور شدن و تجربه را به خودت



فیلم کوتاه «اشغال» به کارگردانی علی عزیزی به روایت بهزاد دورانی بازیگر

# به جوانان مملکت اهمیت بدهیم

## ■ موضوع اثر:

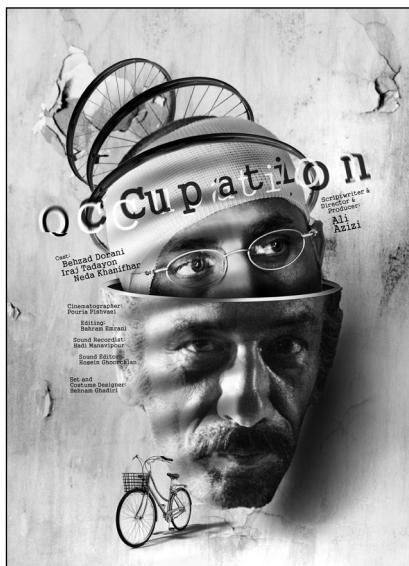
در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال تهران توسط نیروهای متفقین، یک سرباز انگلیسی با یک بیمار ایرانی در بیمارستانی هم اتاق می‌شود و رابطه‌ای میانشان شکل می‌گیرد.

## ■ عوامل

کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده: علی عزیزی، مدیر تصویربرداری: پوریا پیشوایی، چهره‌پرداز: بابک کشن‌فلاح، طراح صحنه و لباس: بهنام قدیری، تدوین: بهرام عمران، صداپرداز: هادی معنوی‌پور، صداگذار: حسن قورچیان، جلوه‌های ویژه بصری: محمد میروهابی، عکاس: نیلوفر نادری، سرمایه‌گذار:

علی عزیزی

بازیگران: بهزاد دورانی، ایرج تدین، ندا خنیفر و محمود حسینی



از همان روزی که علی عزیزی را دیدم، متوجه شدم فیلم‌ساز خوبی است، با این‌که فیلم کوتاه «اشغال» اولین فیلم او بود. سابقه‌ای که در فیلم‌سازی دارم، به من کمک کرده است به این شناخت برسیم و بتوانیم فیلم‌ساز خوب را تشخیص دهیم. من به خودش هم گفته‌ام که باید از جوانانی امثال علی عزیزی حمایت کرد و قدرشان را دانست. باید به آن‌ها کمک کرد تا به نحو احسن کارشان را انجام دهند و در جشنواره فیلم کوتاه تهران شاهد بودیم که فیلم «اشغال» مورد توجه قرار گرفت. عزیزی کارگردان جوانی است که به جزئیات ساخت فیلمش مسلط است و از قبل به همه چیز آن فکر کرده بود. این مسئله مهمی است که باعث شد به کار کردن با او مشتاق شوم. به نظر من جوانان جزو سرمایه ملی ما هستند. نه این‌که بخواهم شعار دهم، ولی این روزها کمتر کسی پیدا می‌شود که بتواند به خوبی جوانان را درک و به آن‌ها کمک کند. مخصوصاً در زمینه هنر، فکر می‌کنم در این زمینه حتماً باید به هنرمندان جوان کمک کرد، چراکه آن‌ها در آینده ایران خودشان را نشان خواهند

داد و تقوایی‌ها و کیمیایی‌های جدید را به وجود خواهند آورد. من در فیلم‌های قبلی‌ام هم با این رویکرد با کارگردانان جوان و فیلم اولی کار کردم. از نظر من حمایت از جوانان این ارزش را دارد که به خاطرش ریسک کنم.

فیلم «اشغال» در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال تهران از سوی نیروهای متفقین اتفاق می‌افتد. یک سرباز انگلیسی با بیماری ایرانی در بیمارستانی هم‌اتاق می‌شود و رابطه‌ای میانشان شکل می‌گیرد. از همان ابتدا که با کارگردان درباره نقش صحبت کردیم، به نتیجه مطلوبی رسیدیم. من از فیلمنامه خوشم آمد و نقش سرباز وطنی را بر عهده داشتم. دوره فیلم به زمان جنگ جهانی دوم و کودتای ۲۸ مرداد بازمی‌گردد و من هیچ پیش‌زمینه‌ای از آن دوران نداشتم، ولی اطلاعات فیلمنامه برای قبول کردن این نقش و اعتماد به کار کافی بود.

اولین بار فیلم را در جشنواره فیلم کوتاه تهران دیدم و از نتیجه کار بسیار راضی بودم. به نظر من علی عزیزی به عنوان کارگردان فیلم اولی بسیار خوب ظاهر شده بود. امیدوارم فیلم «اشغال» در جشنواره فیلم فجر هم مورد توجه قرار بگیرد. نکته‌ای که همیشه به آن توجه داشتم‌ام و دوست دارم همه به آن توجه کنند، اهمیت دادن به جوانان مملکت است. آن‌ها آینده‌سازان ما هستند و همین فیلم‌سازان فیلم کوتاه هستند که در آینده وارد سینمای داستانی بلند خواهند شد و به رونق جشنواره‌هایی مانند جشنواره فیلم فجر کمک خواهند کرد. توجه به فیلم‌سازان فیلم کوتاه مانند توجه به فیلم‌سازان افتخارآفرین آینده است.



# درخشش ابدی

## نیکی کریمی

دیوانه‌ای از قفس پدید به کارگردانی  
احمد رضا معتمدی  
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول  
زن (کریمی) سیمرغش را برای بازی در دو  
فیلم دیوانه‌ای از قفس پدید و واکنش  
پنجم گرفت  
از بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر



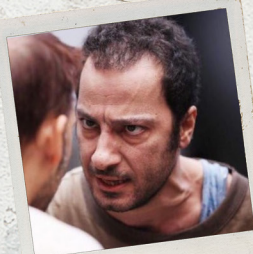
## هدیه تهرانی

چهارشنبه سوری سال به کارگردانی  
اصغر فرهادی  
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش  
اول زن  
از بیست و چهارمین دوره جشنواره  
فیلم فجر



## نوید محمدزاده

ابد و یک روز به کارگردانی سعید روستایی  
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش  
مکمل مرد  
از سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم  
فجر



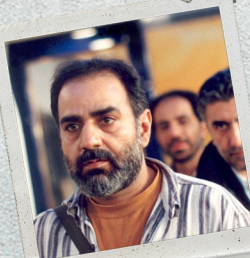
## مریلا زارعی

شمار ۱۴۳ به کارگردانی نرگس آبیار  
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول  
زن از سی و دومین جشنواره فیلم فجر



## خسرو شکیبایی

هامون کارگردان دارپوش مهرجویی جشنواره هشتم  
سیمرغ بلورین بازیگر نقش اول



## پرویز پرستویی

آژانس شیشه‌ای به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا  
سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد  
از شانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر



## لیلا حاتمی

فیلم لیلا کارگردان داریوش مهرجویی  
جشنواره ۱۵ دیپلم افتخار بازیگر نقش  
اول زن



## شهاب حسینی

فیلم جدایی نادر از سیمین کارگردان اصغر  
فرهادی جشنواره ۲۹ دیگلم افتخار بازیگر  
نقش مکمل مرد



## باران کوثری

فیلم خون بازی کارگردان رخشان بنی  
اعتماد جشنواره ۲۵ سیمرغ بلورین  
بهترین بازیگر نقش اول زن



## ترانه علیدوستی

فیلم من ترانه پانزده سال دارم  
کارگردان رسول صدرعاملی جشنواره  
۲۰ سیمرغ بازیگر نقش اول زن



## حامد بهداد

فیلم جرم کارگردان مسعود کیمیایی  
جشنواره ۲۹ سیمرغ بلورین بهترین  
بازیگر نقش اول مرد



## بهرام رادان

فیلم سنتوری کارگردان داریوش  
مهرجویی جشنواره ۲۵ سیمرغ بازیگر  
نقش اول مرد





۱۲ بازیگر و ۱۲ نقش ماندگار

## سیمرغ‌هایی که در دستان ایفاگران شاه‌نقش‌ها جای گرفت

بازیگران سال‌ها در انتظار فرصت می‌مانند تا نقشی درجه یک سراغ آنان بیاید و خوش شانس بازیگری است که در این شاه‌نقش‌ها ماندگار ظاهر شود. گاه این نقش‌ها در جشنواره فیلم فجر هم مورد توجه قرار گرفته است. در گزارش پیش رو برخی از این نقش‌های مهم بررسی می‌شود.

### هدیه تهرانی

هدیه تهرانی پیش از آن‌که همانند سال‌های اخیر — در انتخاب‌هایش بسیار سخت‌گیر شود و گزینشی رفتار کند، هم در فیلم‌های تجاری ظاهر می‌شد و هم در فیلم‌های نسبتاً هنری و به دور از فضای بدنه. اما کیست که نداند نقشی که اصغر فرهادی در «چهارشنبه سوری» به تهرانی سپرد، فرصتی بود برای عرض اندام تمام و کمال این بازیگر در سینمای ایران. او با حضور در نقش مژده، و تغییری که در احساسات مخاطب نسبت به این شخصیت در طول تماشای فیلم به وجود می‌آید، توانست بر دل تماشاگران بنشیند و این فقط تماشاگران نبودند که این حضور را تحسین می‌کردند، بلکه داوران جشنواره فیلم فجر هم سیمرغ بلورین بازیگری بیست و چهارمین جشنواره را برای او کنار گذاشتند تا قدر

بازی‌های خوب او بیشتر دانسته شود. از سال ۸۴ که دومین سیمرغ در کارنامه تهرانی ثبت شد، دیگر نمی‌توان هیچ فیلمی تجاری در آثاری که ظاهر شده، یافت. این در حالی بود که او اوایل دهه ۸۰ در «دختر ابرونی» و «دنیا» بازی می‌کرد.

### نیکی کریمی

شاید بسیاری تصور می‌کردند اگر قرار باشد نیکی کریمی برای ایفای یک نقش مورد تحسین قرار بگیرد و جایزه‌ای به او اعطا شود، این جایزه باید برای حضور او در فیلمی چون «دو زن» باشد، اما کمی بعدتر از سالی که «دو زن» در جشنواره به نمایش درآمد، این بازیگر توانست برای حضور در دو فیلم «واکنش پنجم» و «دیوانه‌ای از قفس پرید» سیمرغ بلورین بگیرد. اگر او در «دو زن» در شرایط استیصال و مورد ظلم واقع



## مریلا زارعی

زمانی که مریلا زارعی با داستانی که دست‌بند آن‌ها را به هم نزدیک کرده، ضجه‌زنان وارد حیاط خانه پدری می‌شود، چنان تصویر ماندگاری خلق می‌کند که علاوه بر تحسین منتقدان و مخاطبان، داوران بیست‌ودومین جشنواره فیلم فجر را مجاب می‌کند. سیمرغ بلورین بازیگر نقش مکمل زن را به او تقدیم کنند. مسعود کیمیایی توانست همان‌طور که در مورد اغلب بازیگران فیلم‌هایش عمل کرده بود، در «سربازان جمعه» نیز بازی به‌یادماندنی و ماندگاری از مریلا زارعی مقابل دوربین ثبت کند. زارعی که پیش از «سربازان جمعه» در ترکیبی از فیلم‌های بدنه و فیلم‌های خاص سینمای ایران نقش‌آفرینی کرده بود، بعد از جایزه جشنواره فیلم فجر هم تقریباً همان مسیر را ادامه داد، اما هم‌چنان یکی از ماندگارترین لحظات بازی مریلا زارعی در فیلم «سربازان جمعه» است و چیزی مشابه آن را می‌توان در فیلم سینمایی «چ» دید؛ دقیقاً زمانی که هلی‌کوپتری که همسر او را در خود جای داده، از زمین فاصله می‌گیرد و او برای آخرین بار به سفینه آهنینی نگاه می‌کند که تا دقایقی بعد ذرات آن در هوا پراکنده می‌شود. همه خواهش و ترس نگاه زارعی را در این صحنه می‌توان با همه بهت و رنجش و تلخی ورود او به خانه پدری در «سربازان جمعه» مقایسه کرد. او در ابتدای ورود با همان داستان به کودک خود که به دلیل زندانی بودن از او دور مانده، غذا می‌دهد و به این ترتیب، کیمیایی همه چیز را فراهم می‌کند تا مریلا زارعی در دقایقی بسیار کوتاه وجهی تازه از بازی خود بروز دهد.



## نوید محمدزاده

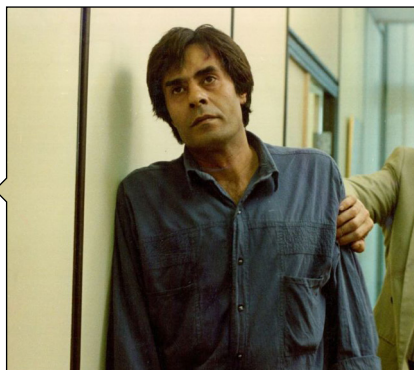
یکی از بازیگرانی که در سال‌های اخیر موفق شده رگ خواب مخاطبان و سینما را در دست بگیرد و در هر فیلمی که بازی می‌کند، حضورش جلب توجه کند، نوید محمدزاده است. او از تئاتر به سینما آمده و آن‌قدر توان او در بازیگری در جریان سال‌ها حضور روی صحنه تئاتر بالا رفته که دیگر در تک‌صحنه‌های حضور مقابل دوربین هم می‌تواند بسیار خوش بدرخشد. او در «ابد و یک روز» به کارگردانی سعید روستایی در نقشی ظاهر شد که ایفای آن برای هر بازیگری می‌تواند رویایی باشد، اما این‌که همه آن کسانی که رویای



شدن و نوعی انفعال قرار داشت، اما در «واکنش پنجم» او زیر دستان ظالم نمی‌ماند، به دنبال راه‌حل است و برای یافتن راه چاره مسیری را در پیش می‌گیرد. گویا این کنش‌گری شخصیت کریمی در «واکنش پنجم» به میزانی قابل قبول و ستودنی بود که داوران جایزه بازیگری زن را به او اختصاص دادند. البته او این جایزه را به صورت مشترک برای بازی در «دیوانه‌ای از قفس» (پرید) دریافت کرد؛ فیلمی که در آن در نقش زنی فم‌تال حاضر شده بود. شاید این تصویر از نیکی کریمی در سینما بسیار دور از انتظار بود. به‌هرحال در سالی که کارگردانان و کریمی با انتخاب و پذیرفتن نقش‌ها خلاف عادت عمل کرده بودند، داوران هم قدر این چهارچوب‌شکنی را دانستند.

کریمی در فیلم‌های مهرجویی هم بازی‌های به‌یادماندنی از خود به یادگار گذاشته است. او با ظاهر متفاوت خود در «پری» یا بازی در قالب زنی در رنج و التهاب در «سارا» شاید آن‌قدر خوب ظاهر شده بود که بتواند سیمرغی در دست بگیرد، اما درنهایت جمع‌بندی داوران چنین شد که جایزه به او تعلق نگرفت و درنهایت اوایل دهه ۸۰ کریمی هم بازیگری صاحب سیمرغ شد، هرچند بازی‌های پیش از این جایزه نوانسته بود جایگاه او را در سینما تثبیت کند. کریمی هم‌چنان در مسیر بازیگری خود و در ۱۵،۱۰ سال اخیر که به عنوان کارگردان هم در سینما فعالیت می‌کند، توانسته جایگاه خود را حفظ کند و این نکته‌ای نیست که از چشم منتقدان و مخاطبان دور بماند.





این نقش را داشته باشند، بتوانند از پس ایفای آن همچون محمدزاده برآیند، قطعاً نشدنی است. او در نقش محسن، پسر معتاد خرده‌فروش مواد مخدر، با اندامی که حسابی لاغر کرده، چنان خوش نشست که بعید به نظر می‌رسد در میان داوران کسی برای آن‌که سیمرغ بلورین بازیگر نقش مکمل مرد را به او اعطا کند، کوچک‌ترین تردیدی می‌داشت. قطعاً درخشش او در این نقش موجب شد با پیشنهادهای مشابه بسیاری مواجه شود که در بعضی کارها این تشابه دیده می‌شود و البته در فیلمی مانند «سرخ‌پوست» اجرای نقش و بازی محمدزاده به طور کلی به گونه دیگری است.

### پرویز پرستویی

تا سال‌ها ایفاگر اغلب شاه‌نقش‌های سینمای ایران کسی نبود غیر از پرویز پرستویی؛ از کمدی‌ها تا نقش‌های کاملاً جدی. از حاج کاظمی که سال‌های سال است رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد و هم‌چنان تر و تازه و قابل بحث و گفت‌وگوست، تا رضا مارمولکی که مرور لحظه‌ای رفتار و حرف‌هایش لیخنه به لب می‌آورد. پرویز پرستویی در فیلم سینمایی «آژانس شیشه‌ای» در نقش حاج کاظم از سرخوردگی مردمانی گفت که عمر و تن و جان خود را فدای آرمان‌هایی کردند که در جامعه جدید رنگ باخته بود. او در این فضای جدید نمی‌توانست ارتباطی میان تمام آن از خودگذشتگی‌ها و امیدها با هنجارهای جدید جامعه بیابد و همین رنجی مضاعف برای او شده بود. حاج کاظم که برای تحمل و سکوت پرورش نیافته بود، تحمل این وضعیت را نداشت و صدای خود را بلند کرد تا همه آن‌چه را در گلو دارد، بگوید و همه این‌ها پیچیده در هم نقشی را خلق کرد که تا سال‌های سال قابلیت آن را دارد که ابعاد مختلف کشف و بررسی و پرداخته شود. این نقش با سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر نیز همراه شد.

البته نمی‌توان از پرستویی و بازی‌های درخشان او صحبت کرد و فیلم سینمایی «مارمولک» را به خاطر نیاورد. او در فیلم کمال تبریزی در نقش دزدی ظاهر شد که با پوشش لباس یک روحانی وارد یک شهر مرزی می‌شود و قرار گرفتن او در

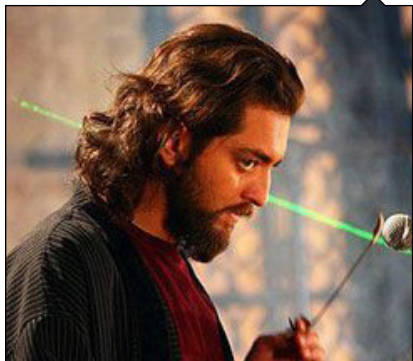
این موقعیت اتفاق‌های جالبی را رقم می‌زند. دیالوگ‌هایی که پیمان قاسم‌خانی برای این نقش نوشته بود، در کنار حرکت بدنی پرستویی در فیلم و شکل کار او همگی مجموعه‌ای به‌یادماندنی را پیش روی مخاطبان قرار داده است. او برای بازی در این فیلم تقدیر ویژه هیئت داوران را در بخش بازیگری از آن خود کرد.

### خسرو شکیبایی

خسرو شکیبایی در سال ۱۳۶۸ فرصت ایفای نقشی را به دست آورد که ظاهر و تیپ و شاکله آن سال‌های سال است که طرفداران خود را دارد. حمید هامون شمالی تمام‌قد از مرد روشن‌فکر ایرانی است که آموخته‌های جدیدش او را به سمت دنیایی تازه هدایت می‌کند، اما ریشه‌هایش به او فرصت نمی‌دهد نگاه کلیشه‌ای به زن را از خود دور کند و زن را همانند مایملکی که باید در چهارچوب تعریف‌شده او زندگی کند، ببیند. تمامی تنش‌ها و کش و قوسی که شخصیت حمید هامون برای خسرو شکیبایی در «هامون» به وجود آورد، موجب شد او در مراسم اختتامیه هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد را در دست بگیرد.

### بهرام رادان

بهرام رادان از جمله بازیگرانی است که با حضور در فیلم‌های تجاری یا به سینمای ایران گذاشت، اما وسوسه تجربه حضور در آناری متفاوت دست از سر او برنداشت تا این‌که بالاخره قرعه بازی در نقش علی سنتوری فیلم «سنتوری» داریوش مهرجویی به نام او افتاد. در حالی برای بازی در این فیلم انتخاب شد که ابتدا مهرجویی فراخوانی را منتشر کرده بود تا افرادی با موهایی نسبتاً بلند و صورتی تقریباً تکیده و دارای توانایی نوازندگی سنتور برای تست دادن مراجعه کنند، اما نتیجه این فراخوان به انتخاب علی سنتوری منجر نشد و نقش برای رادان ماند تا او عبایی در بوش، پریشان و خسته از روزهای اوج نوازندگی تا افتادن در مرداب اعتیاد و رها شدن از سوی همسرش را در قاب دوربین بازی کند. این بازی سیمرغ بلورین بیست‌وپنجمین جشنواره فجر را برای او به همراه داشت.



## شهاب حسینی

زمانی که حجت در دادگاه حاضر شد تا ثابت کند از بین رفتن فرزندش بر اثر فشاری بوده که نادر به همسر او وارد کرده، یکی از بازی‌های درخشان این بازیگر سینمای ایران مقابل دید مخاطبان قرار می‌گیرد. حجت با بازی شهاب حسینی کلافه است، عصبی است و آن‌قدر زخم خورده و عذاب کشیده و تحت فشار قرار گرفته که دیگر طاقت ندارد ظلم دیگری را تحمل کند. او در مقابل هر اتفاقی همان‌طور که همسرش توضیح می‌دهد، خیلی زود عصبی می‌شود و نوع بازی حسینی در این عصبی شدن‌ها به گونه‌ای نبود که از چشم‌دوران بیست‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر دور بماند، هرچند داوران دیپلم افتخار را به او اعطا کردند، اما گروه بازیگران این فیلم در جشنواره فیلم برلین خرس نقره‌ای را دریافت کرد.

## ترانه علیدوستی

دختری ظریف‌اندام که با دندان‌های سفیدرنگ خود به اندازه تمامی پهنای صورت می‌خندد، بعد از آن‌که از سوی نامزد خود رها می‌شود، دیگر چندان روی خندانی ندارد. اما در صحنه‌ای بسیار تأثیرگذار با حرکاتی ظریف احساس خود را از مادر شدن بیان می‌کند. ترانه علیدوستی در نقش ترانه، زمانی که سر کلاس درس نشسته و اولین حرکت فرزند خود را در درونش احساس می‌کند، چنان هوشمندانه و ظریف بازی می‌کند که بیش از هر چیز می‌توان از چهره او رنگ متعهد شدن را دید. او گویی مالک گوهری ارزشمند می‌شود و با حرکت دست خود انگار عهد خود را با گوهر درونش برای بقا کنار هم یادآور می‌شود. علیدوستی ۱۸ ساله برای بازی در این نقش سیمرغ بلورین بیستمین جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد.

## حامد بهداد

«جرم» به گفته دوستداران و طرفداران سینمای مسعود کیمیایی یکی از مهم‌ترین فیلم‌های این کارگردان در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. در این فیلم هم مانند اغلب ساخته‌های کیمیایی موضوع بر سر رفاقت است. پولاد کیمیایی و حامد بهداد دوریقی‌اند که در این فیلم از دغدغه‌هایی که

در ذهن کیمیایی است، سخن می‌گویند. در صحنه‌ای از این فیلم بهداد برای آن که وفاداری خود و پای‌بندی تمام و کمالش به رفاقت را ثابت کند، دست در کیسه‌ای می‌برد که ماری در آن است و شرط می‌گذارد اگر او دروغ‌گو باشد، مادر دست او را بگزد و اگر سالم بیرون بیاید، او وفادار بوده است. او برای بازی در این فیلم موفق شد سیمرغ بلورین بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در نقش مکمل مرد را کسب کند و در رقابت با شهاب حسینی در «جدایی نادر از سیمین» برنده شود.



## باران کوثری

باران کوثری از کودکی بازی در سینما را تجربه کرده بود و در دوران نوجوانی و اوایل جوانی بیشتر در آثار رخشان بنی‌اعتماد، مادرش، ظاهر می‌شد. بنی‌اعتماد اما با سپردن نقشی پرکشش در «خون‌بازی» به باران کوثری کار دشواری را پیش پای او قرار داد. کوثری که در سال ساخت این فیلم به‌تازگی ۲۱ ساله شده بود، نقش دختر جوانی را بازی کرد که اعتیاد او را از پا انداخته است، اما مادر انفعال را کنار می‌زند و دختر را در دستان خود می‌گیرد و راهی دیاری می‌شود که بتواند سلامت را به جان خسته و زخم‌خورده دخترش بازگرداند.

## لیلا حاتمی

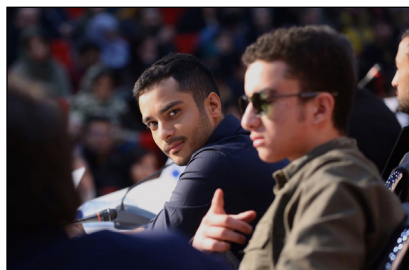
لیلا حاتمی هرچند برای بازی در «لیلا» به کارگردانی داریوش مهرجویی دیپلم افتخار بازیگری را دریافت کرد، اما اهمیت نقش او از کسی پوشیده نیست. فیلم که با صدای گفت‌وگوی درونی شخصیت لیلا همراه است، از دلواپسی‌ها و گاه سرخوشی بیمارگونه او از ازدواج همسرش می‌گوید. زن و شوهر به اجبار مادرشوهر به دنبال زن دوم برای مرد هستند تا بتواند فرزندش را به خانواده بیاورد. زن که می‌توانست خودش را کنار بکشد، قاطی بازی می‌شود و این بازی بیمارگونه در نوع حضور حاتمی به‌وضوح قابل مشاهده است. او برای حضور در این فیلم دیپلم افتخار پانزدهمین جشنواره فیلم فجر را دریافت می‌کند.







## نشست خبری فیلم روز صفر





## نشست خبری فیلم ابرارانش گرفته





## نشست خبری فیلم آبادان یازدهم ۹۰



## آتلیه فجر



فصلنامه

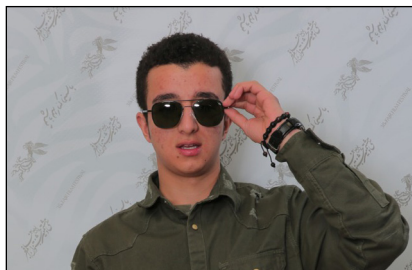
گزارش تصویری  
پوشش مجازی سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر





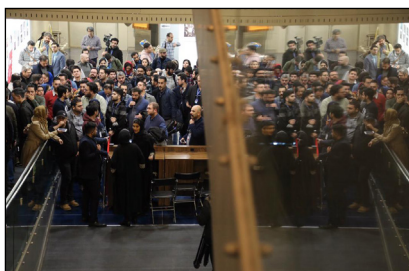


## آتیه فجر





## در حاشیه



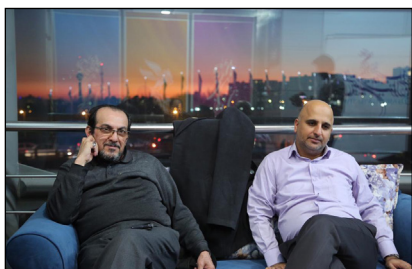
فصلنامه

پولش مجازی‌سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر





## در حاشیه





## در حاشیه



